

نشریه علمی فقه، حقوق و علوم جزا
مقاله پژوهشی، سال نهم، شماره ۳۶، تابستان ۱۴۰۴، صفحات ۱۱۴ تا ۱۴۲
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۹

وضعیت حقوق فرزند حاصل از لقاح مصنوعی با مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی ایران و فقه امامیه و بررسی چالش‌های آن

محمد جهانگیری^۱ دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد واحد اسلامشهر، تهران، ایران.
بهاره ولیزادگان^۲ کارشناسی حقوق، گروه حقوق، دانشگاه آزاد واحد اسلامشهر، تهران، ایران.
مینا محمدی مقدم قاسم آباد^۳ کارشناسی حقوق، گروه حقوق، دانشگاه آزاد واحد اسلامشهر، تهران،
ایران.
الناز حاتمی^۴ کارشناسی حقوق، گروه حقوق، دانشگاه آزاد واحد اسلامشهر، تهران، ایران.

چکیده

مسئله تلقیح مصنوعی انسان یکی از پدیده‌های نوینی است که با پیشرفت دانش پزشکی به وجود آمده و به تبع آن، مسائل حقوقی گوناگونی را ایجاد کرده است از آنجا که این موضوع یکی از موضوعات جدید محسوب می‌شود، متأسفانه در حقوق مدون و قوانین ایران بحث محکم و قابل اعتمادی درباره آن ارائه نشده است. این پژوهش به وضعیت حقوق فرزند حاصل از لقاح مصنوعی با مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی ایران و فقه امامیه و بررسی چالش‌های آن می‌باشد. باروری مصنوعی یکی از مباحث درحوزه‌های حقوقی، پزشکی و اخلاقی در زمانه‌ی کنونی است. درحالی که مخالفان این روش نگرانی‌هایی دارند، موافقان بر پایه‌های فقهی و حقوقی معتقدند که کودکان حاصل از این شیوه باید از حقوق کامل برخوردار باشند، موضوعی که در این پژوهش بررسی خواهد شد. این مقاله به شیوه‌ای تحلیلی و توصیفی نوشته شده و در آن از مقالات مختلفی که در منابع ذکر شده‌اند، استفاده شده است. حقوق کودکان حاصل از باروری مصنوعی در فقه و حقوق اسلامی برای افراد استفاده کننده از روش‌های علمی که هویت والدین و حق رحم جایگزین مشخص است، تضمین می‌شود. اساسی‌ترین این حقوق شامل بهره‌مندی از ارث، تأمین نیازهای اقتصادی، و برابری با دیگر شهروندان می‌باشد. کودکانی که از طریق باروری مصنوعی و با اسپرم مشخص متولد می‌شوند، حق ارث از صاحب اسپرم دارند. اما اگر اسپرم از فرد ناشناس باشد، رابطه ارثی و تأمین نیازهای مالی از طرف صاحب اسپرم قطع می‌شود و کودک تنها از مادر ارث می‌برد و مسئولیت تأمین مالی کودک برعهده مادر خواهد بود.

واژگان کلیدی: حقوق، لقاح مصنوعی، فقه.

^۱ lawyer.mjahangiri@yahoo.com

^۲ نویسنده مسئول: bharhwlyzadgan@gmail.com

^۳ minamoghadan1367@gmail.com

^۴ elanzhatami2022@gmail.com

مقدمه

جامعه انسانی همواره در حال تغییر و دگرگونی است. هر روز مسائل نوینی پدید می‌آیند که از جنبه‌های گوناگون نیازمند بررسی و تحقیق‌اند. علم حقوق نیز همزمان با این تحولات رشد و توسعه می‌یابد تا بتواند پاسخگوی نیازهای جامعه باشد. در غیر این صورت، مشکلات فراوانی پیش روی جامعه ظاهر خواهد شد و نبود قوانین برای مسائل جدید می‌تواند منجر به بی‌نظمی می‌شود. [۵]

پیشرفت‌های علمی و فناوری تأثیر عمیقی بر زندگی اجتماعی گذاشته‌اند. یکی از جنبه‌های مهم این پیشرفت‌ها، توسعه و گسترش علم پزشکی و زیست‌شناسی در زمینه باروری زوج‌های نابارور است. چنین پیشرفت‌هایی به حل مشکلات بسیاری از خانواده‌هایی که از داشتن فرزند محروم بودند، کمک کرده است. روش‌های تولید مثلی مصنوعی، از جمله شبیه‌سازی و باروری‌های پزشکی، به عنوان راه‌حل‌های اصلی مطرح می‌شوند. در شبیه‌سازی از سلول‌های بدن و در باروری پزشکی از سلول‌های جنسی بهره می‌برند. باروری‌های پزشکی به روش‌های مختلفی مانند اهدای اسپرم، اهدای تخمک، اجاره رحم یا مادر جایگزین و اهدای جنین انجام می‌شود. [۴] در هر صورت تلقیح در لغت به معنای باردار کردن است و لقاح به معنای باردار شدن. در اصطلاح علمی، تلقیح مصنوعی به فرآیندی اطلاق می‌شود که در آن زن را به وسیله ابزارهای مصنوعی و بدون انجام آمیزش، باردار می‌کنند. (صفایی ۱۳۷۶) [۱]

تلقیح مصنوعی به عنوان یک پدیده علمی نسبتاً جدید، از نتایج دستاوردهای علمی بشر امروز به شمار می‌آید. [۳] یکی از مسائل نوظهور که از ابعاد مختلف قابل بررسی است، موضوع روش‌های نوین باروری مصنوعی است. این پدیده ابتدا در مورد گیاهان و حیوانات به کار گرفته شد و سپس به تدریج در انسان نیز مورد استفاده قرار گرفت که نتایج مثبتی به همراه داشت. باروری مصنوعی می‌تواند مشکلات بسیاری از خانواده‌هایی را که از داشتن فرزند محروم‌اند، برطرف کند. اما، همانند دیگر پدیده‌های جدید، نگرانی‌ها و مخالفت‌هایی را نیز به دنبال داشته است. این موضوع تنها از جنبه حقوقی مورد توجه نیست، بلکه ابعاد اخلاقی و اجتماعی آن شاید اهمیت بیشتری نسبت به مسائل حقوقی داشته باشد. [۵]

متخصصان پزشکی از مدت‌ها پیش توانسته‌اند با استفاده از روش‌های تلقیح مصنوعی، بسیاری از مشکلات و نواقص مربوط به باروری در زنان و مردان را جبران نمایند. [۳] در احکام اسلامی، موضوع تلقیح مصنوعی به صورتی که امروزه به لحاظ علمی و عملی مطرح است، در متون و منابع اسلامی سابقه‌ای ندارد. بنابراین نمی‌توان برای تأیید یا رد آن، مستنداتی مستقیم از اخبار و احادیث صدر اسلام یافت. با این حال، احکام و مصادیقی وجود دارند که درباره باردار شدن زن از زن دیگر به وسیله همجنس‌گرایی مطرح شده‌اند و در برخی موارد این عمل باعث بارداری زن شده است. همچنین در مورد

اعمالی مانند تفخیز که ممکن است سبب بارداری شوند، می‌توان احکامی را یافت که با تلقیح مصنوعی شباهت دارند. امام خمینی در تحریرالوسیله، به این موضوع اشاره‌ای داشته‌اند: [۳]

سحق به معنای رابطه جنسی بین دو زن است و اثبات آن مشابه لواط صورت می‌گیرد. حد آن صد ضربه شلاق است، به شرطی که فرد بالغ، عاقل و مختار باشد، و فرقی نمی‌کند که محصنه (دارای شوهر) باشد یا نه. برخی بر این باورند که اگر زن محصنه باشد، حکم سنگسار وجود دارد و بین فاعل و مفعول یا مسلمان و کافر تفاوتی وجود ندارد. [۳]

اگر مردی با همسرش رابطه جنسی داشته باشد و سپس آن زن با دختر باکره‌ای رابطه داشته باشد و دختر باردار شود، فرزند متعلق به مردی است که نطفه به او تعلق دارد. دخترپس از زایمان، در صورت رضایت به رابطه، محکوم به صد ضربه شلاق می‌شود و فرزند به او منسوب می‌شود. پس از این شرایط، دختر مستحق مهریه‌ای برابر با دختران هم سال خود است. در خصوص زن، گفته شده که او مستحق سنگسار است. (موسوی خمینی ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۲۱). [۳]

در نظام‌های حقوقی، آغاز و پایان شخصیت و اهلیت افراد به‌طور کلی با تولد و مرگ مشخص می‌شود. بر اساس قانون مدنی ایران در ماده ۹۵۶، قانون مدنی مصر ماده ۲۹ (۱۹۴۶)، و ماده ۳۶ قانون مدنی افغانستان، این اصل پذیرفته شده است. در این میان، پرسشی مطرح می‌شود که جایگاه حقوقی جنین پیش از تولد چیست؟ و آیا حقوق مالی او به رسمیت شناخته شده است یا خیر؟ با مراجعه به قوانین و منابع فقهی می‌توان چنین نتیجه گرفت که جنین پیش از تولد نیز از برخی حقوق مالی برخوردار است، البته این حقوق مشروط به زنده متولد شدن او است. در این زمینه، ماده ۹۵۷ قانون مدنی ایران تصریح می‌کند که جنین از حقوق مدنی بهره‌مند می‌گردد، مشروط بر اینکه زنده متولد شود. همچنین قانون مدنی مصر در بند دوم ماده ۲۹ مقرر کرده است که قوانین خاص، جایگاه حقوقی برای جنین را تعیین می‌کنند. به همین ترتیب، قانون مدنی افغانستان در بند دوم ماده ۳۶ بیان می‌دارد جنین دارای حقوقی است که قانون آن را تصریح کرده است. بر اساس این مواد قانونی، روشن است که جنین قبل از تولد از حقوقی برخوردار است که در قوانین تعریف شده‌اند. اما میزان و نحوه برخورداری از حقوق مالی و غیرمالی نیازمند بررسی عمیق‌تری است. در فقه نیز این موضوع به‌طور مستقل مورد بررسی قرار نگرفته، اما در موارد مرتبط با ارث جنین، تحت عنوان "موانع حمل" به آن اشاره شده است. فقیهان بیان کرده‌اند که جنین، مشروط بر زنده متولد شدن، می‌تواند از راه ارث، مالکیت مالی کسب کند. به عنوان مثال، منابعی چون شهید ثانی (۱۴۱۰، جلد ۸، صفحه ۴۷)، خمینی (۱۳۹۲، جلد ۲، صفحه ۳۹۹)، علامه حلی

(۱۴۲۰، جلد ۵، صفحه ۷۰) و محقق حلی (۱۴۰۸، جلد ۴، صفحه ۲۷۹) به این موضوع پرداخته اند. [۱۱]

این پژوهش به روش منطقی و استدلالی انجام شده و اطلاعات مورد نیاز آن به صورت کتابخانه‌ای گردآوری شده است. هدف اصلی آن تبیین و توضیح نسبت و وضعیت حقوق فرزند حاصل از لقاح مصنوعی، بررسی موانع و چالش‌های مرتبط با این موضوع، از جمله در مورد نسب و حقوق کودک، و تحلیل وضعیت کودک در چارچوب شرع و قانون است. با توجه به اینکه این موضوعات در جامعه مطرح شده و احتمالاً با تقاضای بالا مواجه هستند، و از سوی دیگر ابهامات و پیچیدگی‌هایی در مسائل حقوقی و وظایف قانونی طرفین وجود دارد، اهمیت این پژوهش آشکار می‌شود.

مواد و روش‌ها

روش بکار رفته در این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است.

یافته‌ها

در خصوص موضوع ارث و حقوق فرزندان که از طریق روش‌های غیرطبیعی متولد می‌شوند، قوانین ایران رویکردهای متنوعی را در نظر گرفته است. این تنوع ناشی از وجود روش‌های مختلف باروری مصنوعی برای تولد فرزند است. درباره برخورداری این کودکان از حقوق اقتصادی باید اشاره کرد که معیار اصلی در بهره‌مندی از ارث، ارتباط ژنتیکی و مشخص بودن پدر صاحب اسپرم است. در چنین حالتی، کودک از حقوق ارثی پدر برخوردار خواهد بود و قانون مدنی این موضوع را به‌وضوح مشخص کرده است. اما اگر به هر دلیلی هویت صاحب اسپرم ناشناخته باشد، تأمین حقوق اقتصادی کودک به مادر واگذار می‌شود. در سایر روش‌ها نیز شناسایی مالک اسپرم یا وابستگی خونی کودک به مادر نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. پس شناسایی والدین از طریق روش‌های علمی و رعایت اصول روابط مشروع، مبنای قانونی برای بهره‌مندی کودکان از حقوق والدین خواهد بود. افرادی که قصد دارند از رحم جایگزین یا دیگر روش‌های مشابه برای فرزندآوری استفاده کنند، تابع همین اصول هستند. همچنین قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ با تأکید بر الزام ارائه تضمینات مالی، به‌طور مشخص با هدف حفظ منافع کودک تدوین شده است. با این حال، تمرکز این قانون بر وضعیت مالی و تأمین اقتصادی کودک، ممکن است نگاه مادی به مسئله را اولویت دهد و بر نیازهای معنوی سایه بیندازد. ولی باید توجه داشت که در بخش‌های مختلف این قانون، ضرورت تأمین نیازهای روحی و معنوی کودک نیز به وضوح دیده می‌شود. تنظیم چنین قوانینی را می‌توان اقدامی در جهت نزدیک‌تر کردن مفهوم سرپرستی به چارچوب و روح خانواده دانست. [۴]

تاریخچه قانون گذاری

در کشورهای جهان سوم، که اغلب شامل کشورهای اسلامی نیز می‌شود، قوانین و مقررات خاصی در بسیاری از زمینه‌ها تدوین نشده است. در ایران، قانون نحوه اهدای جنین به زوج‌های نابارور که در تاریخ ۱۳۸۲/۴/۲۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، تحولات زیادی را در این زمینه به دنبال داشته است. این قانون از نظر علوم تجربی بدون مشکل و ابهام است، اما از جنبه‌های اخلاقی و حقوقی با چالش‌ها و ابهاماتی روبرو می‌باشد. علاوه بر این، قانون نتوانسته به‌طور مطلوب ابعاد و آثار حقوقی باروری مصنوعی را تبیین نمایند. تصویب قانونی در ۵ ماده، که تنها یکی از روش‌های موجود را به‌طور مشخص تجویز می‌کند. [۱]

براساس ماده ۱: این قانون، تمامی مراکز تخصصی درمان ناباروری مجاز هستند، با رعایت ضوابط شرعی و شرایط مندرج در قانون، جنین‌های حاصل از تلقیح خارج رحمی زوج‌های قانونی و شرعی را، پس از دریافت موافقت کتبی زوجین صاحب جنین، به رحم زنانی که ناباروری آنها پس از ازدواج و انجام اقدامات پزشکی تایید شده است (چه به تنهایی یا هر دو) منتقل کنند. [۱]

ماده ۲: درخواست برای دریافت جنین اهدایی باید توسط زوجین آماده و به صورت مشترک به دادگاه ارائه شود. دادگاه پس از تأیید شرایط زیر، مجوز دریافت جنین را صادر می‌کند:

الف) زن و شوهر باید براساس گواهی معتبر پزشکی، توانایی بچه‌دار شدن را نداشته باشند و همچنین زوجه باید توانایی دریافت جنین را داشته باشد.

ب) زوجین باید دارای صلاحیت اخلاقی باشند.

ج) هیچ یک از زوجین نباید محجور باشند.

د) هیچ یک از زوجین نباید به بیماری‌های صعب‌العلاج مبتلا باشند.

ه) هیچ یک از زوجین نباید معتاد به مواد مخدر باشند.

و) زوجین باید تابعیت جمهوری اسلامی ایران را داشته باشند. [۱]

ماده ۳: به وظایف و مسئولیت‌های زوجین گیرنده جنین و فرزند متولد شده، مشابه مسئولیت‌های خانواده‌های سنتی در زمینه نگهداری، تربیت، نفقه و احترام پرداخته شده است. [۱]

طبق ماده ۴، صلاحیت زوجین متقاضی در محاکم خانواده بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی بررسی می‌شود و تأیید صلاحیت زوجین امکان تجدیدنظر دارد. [۱]

ماده ۵: آیین‌نامه اجرایی این قانون طی سه ماه توسط وزارت بهداشت با همکاری وزارت دادگستری تهیه و به تأیید هیئت وزیران می‌رسد. در نشست شورای مجمع فقهی سازمان کنفرانس اسلامی در سال ۱۳۶۵ (۱۹۸۶)، دیدگاه‌های شرعی پیرامون باروری مصنوعی ارائه شد. با این حال، این مصوبات خلأ قانونی در کشورهای عضو را پر نمی‌کنند. به

عنوان مثال، درمصر هیئت مشاوره اسلامی و شورای اتحاد اسلامی در سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۸۵ نظرات فقهی خود را اعلام کردند، ولی تاکنون تبدیل به قانون نشده‌اند. [۱]

تلقیح مصنوعی

تلقیح مصنوعی یا همان باروری زن از طریق غیرطبیعی، مواقعه شکل‌های مختلفی دارد؛ ولی به صورت اجمال و کوتاه می‌توان اینگونه تعریف کرد: آمیختن اسپرم مرد و تخمک زن در رحم زن یا خارج رحم به کمک ابزار پزشکی و بدون نزدیکی طبیعی (رضانیا، معلم، ۱۳۸۳، ش، ص ۹). چنان که گفته شد این روش به خاطر این است که گاهی برخی زوجها به جهت مشکلاتی که دارند به گونه‌ی طبیعی نمی‌توانند دارای فرزند شوند و ممکن است اسپرم و تخمک قابلیت باروری را داشته باشد؛ اما به دلایل و مشکلات دیگری که وجود دارد لقاح ممکن، نیست در این صورت برای لقاح از وسیله‌های پزشکی کمک گرفته می‌شود که گونه‌ها و شکل‌های مختلفی دارد. [۱۱]

اقسام تلقیح مصنوعی

تولیدمثل به صورت غیرطبیعی از طرق مختلفی انجام می‌شود. در بین این روش‌های مصنوعی دو طریقه‌ی آن بسیار متداول است که عبارتند از:

۱- تلقیح مصنوعی داخلی، ۲- تلقیح مصنوعی خارجی.

۱- تلقیح مصنوعی داخلی

در این روش تلقیح، فرآیند باروری و پرورش نطفه در داخل رحم صورت می‌گیرد. بسته به اینکه میان صاحبان نطفه (زن و مرد) رابطه زناشویی مشروع برقرار باشد یا چنین ارتباطی وجود نداشته باشد، این روش به دو دسته تقسیم می‌شود: لقاح همگون (متجانس) که بین همسران انجام می‌گیرد و لقاح ناهمگون (نامتجانس) که میان افراد غریبه صورت می‌پذیرد.

۲- تلقیح مصنوعی خارجی

فرآیند بارور شدن یا پرورش نطفه در خارج از رحم و در محیطی مشابه لوله‌های آزمایشگاهی انجام می‌گیرد. در این نوع تلقیح، نطفه زوجین ممکن است خارج از رحم بارور شود و سپس به رحم زن منتقل گردد؛ این زن می‌تواند همان زوجه باشد یا شخص دیگری باشد فردگیرنده نیز ممکن است با شوهر (صاحب نطفه) رابطه زناشویی داشته و همسر دوم او باشد، یا اینکه هیچ رابطه زوجیتی با مرد نداشته و فردی بیگانه باشد.

وضعیت حقوقی اطفال ناشی از لقاح مصنوعی

نسب به عنوان رابطه‌ای خویشاوندی تعریف می‌شود که از طریق خون بین دو یا چند نفر شکل می‌گیرد. بر اساس تعریف‌های مختلف، نسب به رابطه طبیعی و خونی بین کودک و والدین اشاره دارد که از نزدیکی آنها حاصل شده است. صاحب جواهر نسب را به

گونه‌ای توضیح می‌دهد که شامل پیوند ولادت افراد می‌شود، مثلاً رابطه بین پدر و پسر یا دو برادر که از طریق یک والد مشترک مرتبط هستند. این تعریف، اعتبار و اهمیت روابط نسبی را نمایان می‌کند. دکتر سید حسن امامی نیز نسب را به عنوان پدیده‌ای می‌داند که از طریق انعقاد نطفه بین زن و مرد ایجاد شده و نتیجه آن ایجاد رابطه خونی طبیعی بین کودک و والدینش است. [۲]

اقای محمد عبده بروجردی می‌نویسد: نسب رابطه‌ای است بین دو نفر که به دلیل زایش یکی از دیگری یا تولد هر دوی آنها از شخص ثالث به وجود می‌آید. استاد سید علی علوی قزوینی در مقاله‌ای با عنوان آثار حقوقی تلقیح مصنوعی انسان، به تعاریف فوق اعتراضاتی وارد کرده‌اند. در ادامه با ارائه متن مربوطه، برای روشن‌تر شدن ذهن خوانندگان بر لزوم چنین نقدی تأکید می‌کنند. (همان) [۲]

یکی از ایراداتی که به تعاریف ارائه شده وارد است این است که نسب را به عنوان نتیجه‌ای از انعقاد نطفه زن و مرد تعریف کرده‌اند، بدون اینکه به وضوح مشخص کنند که آیا این موضوع یک ارتباط اعتباری و قراردادی است یا یک رابطه تکوینی و واقعی. در حالی که در تعریف باید از واژه‌های مبهم پرهیز کرد، به همین دلیل این تعاریف چندان موجه به نظر نمی‌رسد. با توجه به اینکه شارع یا قانونگذار ماهیت نسب را تعریف نکرده‌اند، ممکن است بتوان ادعا کرد که مقنن در مورد حقیقت نسب از عرف پیروی کرده و همان معنایی را که عرف برای نسب قائل است، پذیرفته است. زیرا اگر مقنن معنای دیگری غیر از معنای عرفی نسب مد نظر داشت، منطقی تقنینی ایجاب می‌کرد که آن معنا را مشخص کند تا نیازی به تعویق بیان در زمان احتیاج نباشد و در اصطلاح اصولی، برای عنوان نسب حقیقت شرعی یا قانونی وجود ندارد. با توجه به این موضوع، می‌توان نتیجه گرفت که تعاریف ارائه شده در تلاش‌اند تا حدود معنای عرفی نسب را روشن سازند، اگرچه برخی از این تعاریف ایراداتی دارند. به هر حال، چون قانونگذار در تبیین ماهیت نسب از عرف پیروی کرده است، ابتدا باید معنای عرفی را بیان کرده و سپس به تغییراتی که قانونگذار در این معنا اعمال کرده اشاره کنیم. (همان) [۲]

موضوعی که درباره اظهارات استاد علوی قزوینی قابل ذکر است این است که ایشان گفته‌اند: شارع یا قانونگذار تعریفی از ماهیت نسب ارائه نکرده‌اند. شاید بهتر بود بیان می‌شد که قانونگذار تعریفی از ماهیت نسب نداده است. زیرا شارع در بیان احکام کلی به تعریف ماهیت یک عنوان شرعی نمی‌پردازد. البته به‌طور دقیق مشخص نیست که آیا منظور ایشان از کلمه "شارع" هم‌معنی با "قانونگذار" است یا خیر. اما تردیدی وجود ندارد که تکوین نسب از دیدگاه شارع مقدس نشأت می‌گیرد و عرف نیز به مسائل تکوینی نظیر همین مسأله نسب تکیه می‌کند. [۲] بدون شک، عرف و فرهنگ، منشأ اعتبار رابطه نسبی میان انسان‌ها را از تشکیل یک فرد توسط اسپرم مرد و تخمک زن می‌گیرد. این به معنی آن است که بعد از تولد طبیعی کودک از والدین، یک رابطه

قراردادی و اعتباری بین کودک و والدین شکل می‌گیرد که آن را نسب می‌نامند و این رابطه اعتباری پیامدهایی نیز به همراه دارد. البته منظور از اعتباری بودن نسب، این نیست که وجود یا عدم آن کاملاً در اختیار تصمیم‌گیرندگان باشد و هیچ چارچوب واقعی نداشته باشد؛ بلکه نسب از مواردی است که اعتبار واقعی و حقیقی دارد. این ارتباط اعتباری به دلیل منشأ واقعی خود، ناگزیر باید رابطه نسبی داشته باشد، مشابه با امکان در مقایسه با ماهیات یا زوجیت در ارتباط با اعداد زوج. با توجه به این توضیحات، نسب را می‌توان به عنوان یک رابطه اعتباری تعریف کرد که از پیدایش یک انسان از نطفه انسان دیگر ناشی می‌شود. [۲]

به عقیده نویسندگان، در تعریف مفهوم نسب باید از صرف اعتبار فراتر رفت و به معنای واقعی آن که در متون مقدس به طور مشخص بیان شده، بسنده کرد. هر چند هدف استاد محترم از تعریف نسب، شناسایی همه نوزادان اعم از طبیعی و مصنوعی و تعیین حقوق مدنی آنان است، که کاری بسیار ارزشمند می‌باشد، اما به نظر می‌رسد برای برقراری اصل نسب، نیازی به شناسایی آن به عنوان یک اعتبار غیر ذاتی وجود ندارد. [۲]

سؤالاتی را راجع به تلقیح مصنوعی مطرح کرده‌ایم تا بر اساس شرایط خاص هر مورد، علما و حقوقدانان بتوانند راه‌حل‌های مناسب ارائه دهند.

ماده ۸۵۲- در شرایطی که حمل به دلیل ارتکاب جرم از بین برود، اموال وصیت شده به ورثه او منتقل می‌شود، مگر اینکه جرم موجب محروم شدن از ارث باشد. [۲]

ماده ۸۷۵- برای ارث بردن شرایط خاصی وجود دارد. یکی از این شرایط این است که شخص هنگام فوت مورث باید زنده باشد. اگر فرد هنوز متولد نشده و در رحم مادر است، باید نطفه او در زمان فوت مورث منعقد شده باشد و پس از تولد زنده باشد، حتی اگر بلافاصله پس از تولد فوت کند. [۲]

ماده ۸۸۴- فرزند ناشی از رابطه نامشروع از والدین و اقوام آنها ارث نمی‌برد. اما اگر حرمت رابطه‌ای که کودک نتیجه آن است نسبت به یکی از والدین مشخص باشد و نسبت به دیگری به دلیل اکراه یا اشتباه در رابطه نامشروع نباشد، کودک تنها از همین والد و اقوام او ارث می‌برد. وضعیت برعکس هم همینطور است.

ماده ۹۵۷- در صورتی که نوزاد زنده به دنیا بیاید، از حقوق مدنی بهره‌مند خواهد شد. [۲]

ماده ۱۰۴۵

۱- ازدواج با افراد از خویشاوندان نسبی زیر ممنوع است، حتی اگر این خویشاوندی از شبهه یا زنا ناشی شده باشد: ازدواج با پدر، اجداد، مادر و جدات، به هر اندازه که به نسل قبل برسد.

۲- نکاح با پدر، اجداد، مادر و مادران بزرگ حتی در صورت افزایش نسل‌ها مجاز نیست.

۳- ازدواج با برادر، خواهر و فرزندان آنها، بدون توجه به میزان تفاوت نسل، مجاز نیست.

۱۲۱ وضعیت حقوق فرزند حاصل از لقاح مصنوعی با مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی ایران و
فقه امامیه و بررسی چالش‌های آن
(محمد جهانگیری، بهاره ولیزادگان، مینا محمدی مقدم قاسم آباد، الناز حاتمی)

۴- ازدواج با عمه‌ها، خاله‌ها، و عمه‌ها و خاله‌های پدر و مادر و نسل‌های گذشته. [۲]
ماده ۱۰۵۵- نزدیکی به شبهه و زنا در صورتی که قبل از ازدواج اتفاق افتاده باشد از نظر
مانعیت ازدواج، مانند نزدیکی در یک ازدواج معتبر محسوب می‌شود، اما ازدواج قبلی را
باطل نمی‌کند. [۲]

از ماده ۱۱۵۸ قانون مدنی تا ۱۲۵۶ راجع به امور نسب نفقه، نگهداری حضانت و نصب
قیم اطفال می‌تواند در مورد تلقیح مصنوعی نیز بکار برده شوند. [۲]
ماده ۱۱۵۸: کودکی که در زمان ازدواج متولد شود، به شوهر منتسب می‌شود، به شرطی
که از زمان رابطه تا زمان تولد، کمتر از شش ماه و بیشتر از ده ماه نگذشته باشد. [۲]
ماده ۱۱۵۹: هر کودکی که پس از انحلال ازدواج به دنیا بیاید، به همسر نسبت داده
می‌شود، به شرطی که مادر هنوز ازدواج نکرده باشد و از تاریخ ازدواج تا روز تولد کودک
بیش از ده ماه نگذشته باشد. مگر اینکه ثابت شود از زمان نزدیکی تا تولد، کمتر از شش
ماه یا بیشتر از ده ماه گذشته باشد. [۲]

ماده ۱۱۶۰: اگر ازدواج پس از برقراری رابطه زناشویی منحل شود و زن دوباره ازدواج
کند و فرزندی به دنیا آورد، فرزند به‌شوهر تعلق می‌گیرد که طبق مواد قانونی امکان
انتساب او به آن شوهر وجود داشته باشد. اما اگر بر اساس همان مواد قانونی، انتساب
فرزند به هر دو شوهر امکا پذیر باشد، فرزند به شوهر دوم تعلق خواهد گرفت مگر اینکه
شواهد قطعی بر خلاف آن وجود داشته باشد. [۲]

ماده ۱۱۶۱: در موارد پیشین، اگر شوهر به طور صریح یا ضمنی به پدری خود اذعان
کرده باشد، دادخواست نفی فرزند از سوی او مورد قبول نخواهد بود. [۲]
ماده ۱۱۶۶: در صورتی که به دلیل وجود مانعی ازدواج والدین کودک باطل شود، نسبت
کودک با هر کدام از والدینی که از وجود مانع بی اطلاع بوده، مشروع است و نسبت به
دیگری نامشروع خواهد بود. [۲]

ماده ۱۱۶۷ کودکی که خارج از ازدواج به دنیا می‌آید، به پدر بیولوژیکی خود ملحق
نمی‌شود. [۲]

ماده ۱۰۴۵ ق. م می‌گوید: نکاح با خویشاوندان نسبی ممنوع است، حتی اگر این
خویشاوندی در اثر شبهه یا زنا به‌وجود آمده باشد. [۲]
سؤال: آیا می‌توان نسب ناشی از لقاح مصنوعی را هم مشمول این ماده دانست و حکم به
ممنوعیت نکاح در آن مورد نمود یا خیر؟ [۲]
ماده ۱۰۵۴ ق. م «زنا با زن شوهردار یا زنی که در عده رجعیه است موجب حرمت
ابدی است».

سؤال: آیا رابطه لقاح مصنوعی نیز موجب حرمت ابدی است یا خیر؟ [۲]

ماده ۱۰۵۷ ق. م «زنی که سه مرتبه متوالی زوجه یک نفر بوده و مطلقه شده، بر آن مرد حرام می‌شود، مگر اینکه به عقد دائم به زوجیت دیگری در آمده و پس از وقوع نزدیکی با او به واسطه اطلاق یا فسخ یا فوت فراق حاصل شده باشد. [۲]

سؤال: اگر زنی که سه مرتبه مطلقه شده به عقد مرد دیگری در آید به جای نزدیکی نطفه مرد به او تلقیح گردد و حتی از این عمل حامله گردد آیا این تلقیح می‌تواند نقش محلل را داشته باشد؟ [۲]

ماده ۱۰۹۲: «هرگاه شوهر قبل از نزدیکی زن خود را طلاق دهد زن مستحق نصف مهر خواهد بود». [۲]

سؤال این است: هرگاه شوهر با زن نزدیکی نکند، ولی رابطه تلقیح مصنوعی بین آن دو برقرار گردد و زن حامله شود آیا زن مستحق نصف مهر است یا تمام آن؟ [۲]

ماده ۱۱۴۲ ق. م طلاق زنی که با وجود اقتضای سنی عادت زنانگی نمی‌شود وقتی صحیح است که از تاریخ آخرین نزدیکی با زن سه ماه گذشته باشد. [۲]

سؤال: آیا اگر بین شوهر و زن نزدیکی طبیعی واقع نشده ولی لقاح مصنوعی برقرار گردیده باشد، در این صورت نیز لازم است که برای طلاق از تاریخ آن سه ماه گذشته باشد یا خیر؟ [۲]

ماده ۱۱۰۸ ق. م هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود. [۲]

سؤال: آیا زوج می‌تواند در صورت ناتوانی جنسی و عدم قدرت بر تماس طبیعی، زوجه خود را تکلیف به لقاح مصنوعی نماید یا خیر؟ [۲]

و به عبارت دیگر می‌توان تمکین زن را برای عمل لقاح از جمله وظایف او محسوب نمود یا خیر؟ [۲]

ماده ۱۰۵۵ ق. م اگر مردی پیش از عقد با زنی نزدیکی کند، حتی اگر این نزدیکی ناشی از شبهه یا زنا باشد، از نظر حقوقی و شرعی اثراتی مشابه نکاح صحیح دارد، اما باعث ابطال پیوند قبلی نمی‌شود. به این معنا که اگر مرد با آن زن رابطه داشته باشد، دختر آن زن و مادرش بر او حرام می‌شوند. [۲]

سؤال: مستقاد از لقاح مصنوعی در این مورد چه حکمی است؟ [۲]

ماده ۱۱۴۵ ق. م در موارد ذیل طلاق بائن است طلاق که قبل از نزدیکی واقع شود و... [۲]

سؤال: اگر طلاق قبل از نزدیکی و بعد از لقاح مصنوعی انجام شود، رجعی است یا بائن؟

ماده ۱۱۰۱ ق. م [۲] هرگاه عقد نکاح از نزدیکی به جهتی فسخ شود زن حق مهر ندارد مگر در صورتی که موجب فسخ عنن باشد که در این صورت با وجود فسخ نکاح زن مستحق نصف مهر سؤال: اگر در مورد مذکور نزدیکی واقع نشده باشد ولی عمل تلقیح صورت گرفته باشد، آیا همین است. [۲]

۱۲۳ وضعیت حقوقی فرزند حاصل از لقاح مصنوعی با مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی ایران و
فقه امامیه و بررسی چالش‌های آن
(محمد جهانگیری، بهاره ولیزادگان، مینا محمدی مقدم قاسم آباد، الناز حاتمی)

حکم جاری خواهد شد؟ ماده ۱۰۹۹ ق.م در صورت جهل زن به فساد نکاح و وقوع نزدیکی زن مستحق مهر المثل است. سؤال: اگر در ماده فوق الذکر نزدیکی واقع نشده باشد ولی عمل تلقیح صورت گرفته باشد آیا همین حکم جاری خواهد شد؟ [۲]
ماده ۱۰۹۷ ق.م در نکاح منقطع هرگاه شوهر قبل از نزدیکی تمام مدت نکاح را ببخشد باید نصف مهر را بدهد. [۲]

ماده ۱۰۹۸ ق.م «در صورتی که عقد نکاح اعم از دائم یا منقطع باطل بوده و نزدیکی واقع شده، زن حق مهر ندارد و اگر مهر را گرفته شوهر می‌تواند آن را استرداد نماید». [۲]

ماده ۱۰۹۳ ق.م «هر طلاق دهد زن مستحق مهر المته است و اگر بعد از آن اطلاق دهد مستحق مهر المثل خواهد بود». ماده ۱۱۵۵ ق.م «زنی که بین او و شوهر خود نزدیکی واقع نشده و همچنین زن یائسه نه عده طلاق دارد نه عده فسخ نکاح ولی عده وفات در هر مورد باید رعایت شود». [۲]

رگاه مهر در عقد ذکر نشده باشد و شوهر قبل از نزدیکی و تعیین مهر زن خود را در همه موارد فوق سؤال از چگونگی وضعیت بدون نزدیکی و با تلقیح مصنوعی خواهد بود؟ [۲]

اما سؤال: در مبحث اهداء جنین حضانت کودک تلقیحی حق کدامیک از زن‌هاست؟ صاحب رحم یا صاحب تخمک؟ [۲]

اگر بپذیریم که صاحب رحم مادر کودک است، اثبات حق حضانت بر او مشکل به نظر می‌رسد، زیرا یکی از شروط حضانت این است که مادر با مرد دیگر ازدواج نکرده باشد و گر نه حضانت ساقط است. در حدیث آمده است: المرأة أحق بالولد مالم تتزوج حر عاملی، م، ۱، ج ۲۱، باب (۸۱) در مسأله مورد نظر صاحب رحم از اول با صاحب اسپرم رابطه‌ای نداشته و با مرد دیگری ازدواج کرده است. پس مشکل است بگوییم که او حق حضانت دارد، بلکه می‌توان گفت اگر ازدواج در اثنا مسقط حضانت باشد ازدواج بدوی و سابق به طریق اولی مسقط خواهد بود. بلی اگر صاحب رحم بیوه باشد حق حضانت از آن او خواهد بود و همچنین اگر کودک به صاحبان جنین ملحق شود مادر او صاحب بوده و او حق حضانت خواهد داشت مطالب مذکور در صورتی است که پدر کودک را صاحب اسپرم بدانیم. این‌ها مربوط به قسم اول است که صاحب رحم نسبت به صاحب اسپرم بیگانه باشد، ولی در قسم دوم که صاحب رحم همسر دوم صاحب اسپرم است حکم خاصی دارد، که از تخمک گذشته‌ها روشن می‌شود (قبله، ای خ هم همان، ص ۲۵۷). [۲]

روش‌های تلقیح مصنوعی

وجود یک کودک تحت تأثیر سه عامل مهم قرار می‌گیرد:

(۱) اسپرم مربوط به مردان است.

(۲) تخمک متعلق به زنان است.

(۳) و رحم نیز مربوط به زنان می‌باشد.

با توجه به سه عامل مذکور، می‌توان روش‌های درمان ناباروری را به دو گروه کلی تقسیم کرد:

الف) روش‌های لقاح داخل رحمی: در این روش‌ها، باروری بین سلول‌های جنسی نر و ماده در بدن زن انجام می‌شود این روش‌ها که امروزه به دلیل سادگی و هزینه کمتر نسبت به روش‌های لقاح خارج رحمی، محبوبیت بیشتری یافته‌اند. [۵]

ب) روش‌های لقاح خارج رحمی: این دسته شامل روش‌های تلقیح مصنوعی است که در آنها باروری بین سلول‌های جنسی در خارج از بدن زن صورت می‌گیرد. (کردی، ۱۲۷-۱۲۵: ۱۳۹۴). [۵]

✓ تلقیح مصنوعی با اسپرم شوهر

نسب کودکی که از طریق تلقیح حاصل شده است به پدر و مادرش نسبت داده می‌شود و تمامی آثار نسب قانونی و شرعی بر او بار می‌گردد. قانون مدنی که مواد ۱۱۵۸ و ۱۱۵۹ را شامل می‌شود، به رابطه نزدیک و واقعه اشاره کرده است، زیرا راه طبیعی تشکیل نطفه از طریق نزدیکی است، با این حال، نزدیکی هیچ خصوصیتی ندارد که تنها معیار ایجاد نسب قانونی و شرعی باشد. بیشتر فقها و حقوقدانان معاصر به جواز این مسئله باور دارند، هرچند تعداد کمی از فقها نظر مخالف دارند. از نظر حکم وضعی، اکثر حقوقدانان و فقها نسب این کودک را صحیح دانسته و آن را به زوجین ملحق می‌دانند، البته با تأکید بر اینکه در طول این فرآیند باید از اعمال مخالف ضوابط شرعی و عفت خانواده جلوگیری شود. [۵]

در ادامه نظرات تعدادی از فقها و حقوقدانان آمده است:

مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی: معتقد بود که بر اساس مستفاد از ادله شرعیه، قرار گرفتن نطفه مرد در رحم همسرش جایز است و به فرزند مرد و همسرش نسبت داده می‌شود و میراث از هر دو طرف ثابت است. [۵]

آیت الله مکارم شیرازی: بیان داشت که تلقیح نطفه شوهر در رحم همسرش توسط خود شوهر مشکل ندارد، اما اگر توسط پزشک خارجی انجام شود تنها در صورت ضرورت جایز است. [۵]

برخی فقهای امامیه بر این باورند که جماع برای حلیت لقاح دخالت دارد و چون لقاح مصنوعی فاقد این ویژگی است، آن را جایز نمی‌دانند. [۵]

مرحوم آیت الله العظمی بروجردی و میلانی: بر این عقیده هستند که تلقیح مصنوعی جایز نیست، و دلیل اصلی آن‌ها آیات ۳۰ سوره نور است. با این حال، در پاسخ به این استدلال باید گفت احکام صادره براساس تغلب و دلالت بر منع نزدیکی و مباشرت با غیر همسر است. (روشن، ۱۳۸۴: ۱۸۲-۱۸۳) [۵]

۱۲۵ وضعیت حقوق فرزند حاصل از لقاح مصنوعی با مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی ایران و
فقه امامیه و بررسی چالش‌های آن
(محمد جهانگیری، بهاره ولیزادگان، مینا محمدی مقدم قاسم آباد، الناز حاتمی)

وضع حقوقی تلقیح مصنوعی با اسپرم شوهر

این قسم به خودی خود هیچ حرمت خاصی ندارد زیرا دلیل مشخصی بر حرمت آن در دست نیست. از آنجا که این موضوع در زمره شبهات ابتدایی تحریمی قرار می‌گیرد، اصل برائت شرعی و عقلی در مورد آن اعمال می‌شود (حرم‌پناهی، ۱۳۷۶ ش، ص ۸۵). البته، این موضوع با احتمال حرام شدن قسم به دلیل مقدمات حرام مثل تماس با نامحرم ناسازگار نیست. به هر حال، باید اذعان داشت که تلقیح مصنوعی با اسپرم شوهر در حال حاضر مشکلی از نظر حقوقی و شرعی ندارد. [۸]

هرگاه شوهر نتواند از طریق معمول با زن نزدیکی کند و صاحب فرزند شود، اما عقیم نبوده و نطفه او دارای ماده حیاتی باشد، امکان انجام تلقیح مصنوعی با نطفه شوهر وجود دارد و به این وسیله طفلی به دنیا می‌آید. این کودک بدون شک به شوهر، یعنی صاحب نطفه، و زن از نظر نسب تعلق دارد و باید رابطه او مشروع در نظر گرفته شود، زیرا تمامی شرایط نسب قانونی و مشروع در این وضعیت وجود دارد و هیچ مانعی برای الحاق کودک به والدین طبیعی خود نیست. به عبارت دیگر، نزدیکی فی‌نفسه شرط ویژه‌ای برای الحاق کودک به پدر و مادر نیست و اگر قانونگذار در مواد ۱۱۸۵ و ۱۱۵۹ قانون مدنی از نزدیکی صحبت کرده، به این دلیل است که معمولاً این عمل منجر به انعقاد نطفه می‌شود. بنابراین، اگر نطفه شوهر با روشی غیر از نزدیکی وارد رحم زن شود و از ترکیب اسپرم مرد با تخمک زن فرزندی شکل بگیرد، فرزند از نظر نسب به صاحب نطفه و مادر تعلق خواهد داشت. کلاً عرف، کودک را فرزند صاحب نطفه می‌شناسد و رابطه نسبی بین او و طرفین نطفه برقرار می‌کند، چه انتقال نطفه مرد به رحم زن از راه طبیعی باشد یا از طریق مصنوعی. [۵]

در بررسی مواد ۱۱۵۸، ۱۱۵۹ و ۱۱۶۰ قانون مدنی، نزدیکی به عنوان شرطی شایع برای نسبت مشروع مطرح نشده است. قانونگذار قید خاصی برای محدود کردن رابطه مشروع به آمیزش نگذاشته است. کودکی که به دنیا آمده، کودک قانونی محسوب می‌شود و تمامی شرایط لازم برای نسب قانونی را دارا است. تفاوت لقاح مصنوعی با موارد عادی در این است که در لقاح مصنوعی کودک از طریق طبیعی به وجود نیامده، اما این موضوع تأثیری بر نسب قانونی ندارد زیرا قانون نزدیکی را شرط نسب قانونی قرار نداده است. لذا، کودک حاصل از تفخیز زن و شوهر نیز به والدین نسبت داده می‌شود. طبق بررسی‌های فقهی و حقوقی در موضوع لقاح مصنوعی با اسپرم شوهر، مشخص شده که بسیاری از فقها این عمل را مجاز دانسته‌اند و نزدیکی را شرط مشروعیت کودک نمی‌دانند، زیرا فرزند حاصل از تفخیز نیز ولد مشروع محسوب می‌شود. اگرچه قانون در این خصوص سکوت کرده، مبنای آن مشروعیت فرزند حاصل از لقاح مصنوعی است و مخالفتی میان حقوقدانان دیده نمی‌شود. (همان: ۱۸۴ - ۱۸۵). [۵]

آیت‌الله گلپایگانی بر این باور هستند که بر اساس ادله شرعی، قرار گرفتن نطفه مرد در رحم همسرش، به هر طریق، جایز است. (امامی، ۱۳۴۹، ص ۳۶۱) آیت‌الله خوئی نیز تزریق نطفه شوهر به زن را مجاز می‌دانند، اما تأکید دارند که اگر این عمل توسط فردی غیر از شوهر انجام شود و منجر به لمس یا نگاه به اندام تناسلی زن گردد، جایز نخواهد بود. (خوئی، بی تا، صص ۴۲-۴۳) [۸]

آیت‌الله بهجت نیز اظهار کرده‌اند که تلقیح نطفه یا اسپرم شوهر به رحم همسر، چه از طریق خود شوهر و چه توسط پزشک، فی‌نفسه اشکالی ندارد، اما پرهیز از لمس و نگاه حرام را ضروری دانسته‌اند. (صمدی اهری، ۱۳۸۲ ش، ص) [۸]

آیت‌الله مکارم نیز این نوع از مسئله را جایز دانسته و همچون دیگر فقها بر رعایت مقدمات مشروع و حلال آن تأکید دارند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ ش، مسائل ۲۲-۲۴). با این حال، در صورتی که این امر مستلزم نگاه حرام یا لمس ناشایست باشد، آن را تنها به موارد ضرورت محدود کرده‌اند. [۸]

در این متن به بررسی وضعیت حقوقی تلقیح مصنوعی، وضعیت حقوقی طفل متولد شده از آن و دیدگاه‌های فقهی مرتبط پرداخته شده است. در ایران، درباره موضوع تلقیح مصنوعی و موقعیت حقوقی طفل ناشی از آن تاکنون مقررات مشخصی وضع نشده است (نایب‌زاده، ۱۳۸۰). با این حال، بر اساس اصول کلی حقوقی و این قاعده عقلانی که به‌طور کلی هر عملی مجاز است مگر اینکه قانون صریحاً آن را ممنوع کرده باشد، و با توجه به اینکه هیچ نص صریح قانونی بر ممنوعیت چنین باروری وجود ندارد، می‌توان نتیجه گرفت که این نوع باروری منعی ندارد و مجاز شناخته می‌شود. (امامی، ۱۳۷۷ ش) [۱۰]

وضع حقوقی طفل متولد از تلقیح مصنوعی با اسپرم شوهر

در زمینه مشروعیت یا عدم مشروعیت نسب طفل و آثار آن نیز حکم صریحی وجود ندارد. ممکن است تصور شود نسب طفل وقتی مشروع است که از طریق مقاربت بین زن و مرد و در نتیجه این نزدیکی به وجود آمده باشد و به ظاهر مواد ۱۱۵۸ و ۱۱۵۹ قانون مدنی که نزدیکی و تاریخ آن ملاک تشخیص نسب و الحاق والد است، استناد گردد، ولی این طرز تفکر حقوقی مخدوش است، زیرا نزدیکی و مقاربت به این اعتبار که طریقه متعارف و طبیعی، انعقاد نطفه و تشکیل جنین است از باب تفکیک، مورد توجه قانون گذار قرار گرفته والا خصوصیتی در مقاربت وجود ندارد تا بتوان این اعتقاد را پذیرفت که مقاربت در نسب طفل نقش اساسی و منحصر دارد، زیرا اگر مقاربت چنین اثری داشته باشد، مشروعیت نسب طفلی که از راه تفخیز (یعنی ران به ران مالیدن و تحریک و انزال و نفوذ اسپرم شوهر در رحم زن یا سایر تماس‌های بدنی زن و شوهر) به وجود می‌آید محل اشکال خواهد بود و حال آن که هیچ حقوق دانی در مشروعیت نسب چنین طفلی شک نمی‌کند. و فقها نیز در این مورد تردیدی به خود راه نداده‌اند. در زمینه جواز تلقیح

۱۲۷ وضعیت حقوق فرزند حاصل از لقاح مصنوعی با مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی ایران و
فقه امامیه و بررسی چالش‌های آن
(محمد جهانگیری، بهاره ولیزادگان، مینا محمدی مقدم قاسم آباد، الناز حاتمی)

مصنوعی با اسپرم شوهر و مشروعیت نسب ناشی از آن بسیاری از فقهای معاصر و مراجع تقلید نظر موافق و مساعد دارند. البته بعضی عمل تلقیح مصنوعی را جایز ندانسته‌اند و طفل حاصل از آن را متعلق به صاحب اسپرم دانسته‌اند. و گروهی در صحت عمل تلقیح مصنوعی تردید کرده‌اند و عده‌ای قائل به جواز مشروط تلقیح مصنوعی با اسپرم شوهر هستند و معتقدند عمل تلقیح باید به وسیله شوهر باشد تا آلت و فرج زن از دید و لمس بیگانه حفظ شود و در هر حال نسب طفل ناشی از این تلقیح را مشروع می‌دانند. (نایب زاده، ۱۳۸۰ ش.) [۱۰]

✓ تلقیح مصنوعی با اسپرم بیگانه

در این روش، هنگام باروری و رشد نطفه، علاوه بر زن یا شوهر، فرد دیگری نیز دخالت دارد. به این صورت که گاهی نطفه زوج با تخمک همسرش ترکیب شده و نطفه بارور شده در رحم زن دیگری قرار می‌گیرد. در موارد دیگر، ممکن است نطفه (اسپرم) زوج با تخمک زن ثالث مخلوط شده و این نطفه بارور شده در رحم همسر یا زن ثالث پرورش یابد. همچنین گاهی نطفه مرد ثالث با تخمک زن ترکیب شده و این نطفه در رحم زن یا فرد ثالث رشد می‌کند. (وطن خواه، ۱۳۸۶: ۱۴۳) [۵]

علامه شیخ محمد مصری نخستین فردی بود که اظهار نظر کرد که تلقیح با اسپرم غیر از شوهر، در هر شرایطی حرام است و اگر آگاهانه انجام شود، به عنوان رابطه نامشروع و زنا شناخته می‌شود. با گسترش این مسئله، شورای فقه اسلامی سازمان کنفرانس اسلامی تمامی کشورها به اتفاق آراء حکم به حرام بودن تلقیح اسپرم غیر از شوهر در هر حالتی دادند. [۵]

در مورد تزریق اسپرم مرد بیگانه به رحم زن، دو فرض باید از یکدیگر تفکیک شوند:

فرض اول مربوط به زمانی است که نطفه مرد غریبه به زنی که دارای شوهر قانونی است تزریق می‌شود، و این زن امکان بارداری از شوهر خود را نیز دارد. در چنین حالتی، طبق ماده ۱۱۵۸ قانون مدنی، اگر از تاریخ رابطه زناشویی تا زمان تولد کودک، کمتر از ۶ ماه و بیشتر از ۱۰ ماه نگذشته باشد، کودک به شوهر مشروع منتسب می‌شود. به بیان دقیق‌تر، تازمانی که احتمال نزدیکی زوجین و تشکیل نطفه از اسپرم شوهر وجود دارد، نمی‌توان کودک را صرفاً به صاحب نطفه تزریق شده نسبت داد یا نسب را کاملاً نفی کرد. بلکه طبق قاعده فراش ماده ۱۱۵۸ قانون مدنی، باید کودک را به شوهر قانونی و شرعی زن نسبت داد. برخی از فقهای امامیه نیز در این خصوص فتوا داده‌اند که اگر نطفه غیر از شوهر به زن تزریق شود، نسبت دادن کودک به شوهر اشکالی ندارد. اگر شوهر قانونی زنی با او رابطه جنسی برقرار کند و احتمال بارداری از طریق نطفه شوهر وجود داشته باشد، فرزند به شوهر تعلق خواهد داشت (روحانی، ۱۳۹۳: ۹) [۵]

فرض دوم بیان می‌کند که زن نباید شوهر داشته باشد یا باید از نظر طبیعی امکان باروری از شوهر خود را نداشته باشد، یا این که مطمئن باشیم که فرزند ناشی از نطفه شوهر نیست. برخی حقوقدانان، تفاوتی بین آگاهی و ناآگاهی طرفین نسبت به وجود عمل تلقیح قائل شده‌اند. دکتر امامی درباره نا آگاهی طرفین اظهار داشت که اگر مرد و زن از حقیقت امر بی‌خبر باشند، کودک به والدین طبیعی خود تعلق خواهد داشت، زیرا چنین فرزندى در حکم ولد شبهه است. همان‌طور که فرد ناآگاه از حرمت، رابطه طفل را در حکم ولد شبهه به خود ملحق می‌کند، اما اگر یکی از طرفین از حقیقت امر بی‌خبر باشد، کودک نسبت به او در حکم ولد شبهه است. در صورتی که جهل طرفین به عمل تلقیح باشد، می‌توان گفت که هر فرزند طبیعی قانونی است مگر آنکه قانون به صراحت خلاف آن را بیان کرده باشد. وضعیتی که قانون به رسمیت نمی‌شناسد، ولدی است که ناشی از زناست و به فردی که زنا کرده تعلق نمی‌گیرد، و در سایر موارد کودک به پدر و مادر ملحق می‌شود. (همان: ۱۶۸) [۵]

بر اساس اصول و قواعد حقوقی، کودکی که از لقاح مصنوعی با استفاده از اسپرم بیگانه در رحم زن اجنبی متولد می‌شود، به صاحب نطفه تعلق دارد. عرف جامعه، تشکیل کودک از انسان دیگری را منشأ ایجاد رابطه نسبی می‌داند و قانونگذار نیز این دیدگاه عرفی را پذیرفته است. قانون صرفاً در مورد زنا نسب را منتفی دانسته، و چون تلقیح مصنوعی عرفاً و شرعاً زنا محسوب نمی‌شود و واژه "ولد" نیز عرفاً درست به کار رفته است و منع صریح قانونی در این زمینه وجود ندارد، می‌توان گفت که کودک به صاحب نطفه منتسب است. ممکن است ایرادی مطرح شود که بر اساس مفهوم مخالف اماره فراش، انتساب کودک تنها در صورت وجود شرایط فراش ممکن است و در مواردی غیر از فراش، مانند زنا یا لقاح مصنوعی، اصولاً کودک به کسی منتسب نیست. پاسخ به این ایراد چنین است که قاعده فراش اصولاً یک قاعده ظاهری است که برای موارد مشکوک وضع شده و این بدان معنا نیست که با نبود شرایط فراش، نسب منتفی می‌شود. (علوی قزوینی، ۱۳۷۴: ۱۸۶) [۵]

در مورد مشروعیت یا حرمت تلقیح اسپرم بیگانه در ایران، میان مراجع و فقهای پیشین هیچ اختلاف نظری درباره حرام بودن این عمل وجود ندارد. از جمله امام خمینی، خویی، گلپایگانی و اراکی (رحمت‌الله علیهم) فتاوی صریحی در این زمینه ارائه کرده‌اند. امام خمینی (ره) بیان کرده‌اند که اگر تلقیح با اسپرم غیرشوهر صورت گیرد و زن دارای شوهر باشد و مسلم باشد که بچه ناشی از تلقیح است، بدون شک بچه به شوهر منتسب نمی‌شود. اما اگر تلقیح از روی شبهه انجام شود، همانند حالت وطی به شبهه، بچه به زن و صاحب اسپرم منسوب می‌شود. بنابراین اگر مردی اسپرم خود را به زن با تصویری که همسر خودش است تلقیح کند و بعد خلاف آن ثابت شود، بچه حاصل از این تلقیح به صاحب اسپرم و زن تعلق می‌گیرد. ولی اگر تلقیح با آگاهی و عمد به زن بیگانه صورت

گرفت، نسبت دادن بچه به صاحب اسپرم و زن مشکل است، زیرا این عمل غیرمشروع و حکم زنا دارد. هرچند الحاق کودک صحیحتر به نظر می‌رسد، ولی باید در این باره احتیاط کرد. در موضوع ارث نیز، تلقیح از روی شبهه مشابه و طیه شبهه است و در مورد تلقیح عمدی حرام باید احتیاط نمود (موسوی خمینی، بیتا ۶۲۱) [۵] برخی از موافقان تلقیح اسپرم بیگانه معتقدند که آیات قرآن عمدتاً به زنا و روابط نامشروع با مردان غریبه اشاره دارد و تلقیح به معنای زنا نیست. آنها براین باورند که نگهداشتن نطفه از افراد بیگانه با انگیزه بهره‌برداری جنسی مدنظر آیات است، نه ورود نطفه‌ای که به طریق حلال از مردی خارج شده و با کمک ابزار پزشکی به اندام تناسلی زن منتقل می‌شود. (مؤمن، ۱۴۱۵ ق: ۵۷-۵۸). با این حال، برخی از موافقان این فرضیه، نگرانی‌هایی مانند امکان از هم پاشیدگی خانواده و عدم توانایی زوجین در فرزندآوری را نیز در استدلال‌های خود لحاظ می‌کنند و اعتقاد دارند که ممنوعیت تلقیح می‌تواند مانعی برای خوشبختی برخی خانواده‌ها باشد. [۵]

وضع حقوقی تلقیح مصنوعی با اسپرم غیرشوهر

در ایران، بر اساس قوانین مدنی، حکمی صریح در این باره وجود ندارد. بنابراین، طبق ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی، می‌بایست حکم موضوع را در عرف مسلم جامعه جست‌وجو کرد. همچنین، اصل ۱۷۶ قانون اساسی مقرر می‌دارد که برای یافتن حکم مسائل مشابه باید به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر مراجعه کرد. با توجه به دین و مذهب رسمی کشور و اکثریت جمعیت جامعه که مسلمان هستند، احکام و قواعد مذهبی به‌عنوان عرف مسلم شناخته می‌شود. از این‌رو، می‌توان حکم مسئله را از آیات قرآن کریم و اخبار و احادیث معتبری که در این زمینه وجود دارد، استنباط کرد. بر اساس آنچه از آیات قرآن در موضوع حفظ حریم و عفت از غیرشوهر به صورت کلی دریافت می‌شود و همچنین با استناد به احادیث و روایات موجود، این نتیجه حاصل می‌گردد که تلقیح مصنوعی با اسپرم فردی غیر از شوهر مجاز نیست. این دیدگاه مورد تأیید فقها و مراجع تقلید نیز قرار گرفته است. از نظر علما، در شرع مقدس اسلام، اندام تناسلی زن به دلیل نقش اصلی آن در شکل‌گیری نسل، موضوعی بسیار مهم و حساس تلقی می‌شود. اگر درباره جواز تلقیح مصنوعی با اسپرم بیگانه تردیدی وجود داشته باشد، امکان اجرای اصولی نظیر براءت یا اباحه فراهم نخواهد بود. بنابراین، بر اساس این نظر فقهی، تلقیح مصنوعی با اسپرم غیرشوهر جایز شمرده نمی‌شود (امامی، ۱۳۷۷ ش).

مادر جانشین

مفهوم «مادر جانشین» یا «رحم اجاره‌ای» به‌عنوان یکی از پدیده‌های نوظهور در حقوق خانواده، نتیجه پیشرفت‌های پزشکی در مسیر درمان ناباروری زوجها است. این مسئله به دلیل برخورداری از پیچیدگی‌های اخلاقی، اجتماعی و حقوقی، چالش‌های متعددی را

در زمینه حقوق خانواده و قراردادهای ایجاد کرده و نیازمند بررسی و تحلیل جامع است. بر اساس منابع داخلی و بین‌المللی، عواملی که افراد را به روی آوردن به این روش ترغیب می‌کنند شامل مشکلات پزشکی مانند فقدان رحم یا ناتوانی جسمی در حفظ بارداری، افزایش سن ازدواج، کاهش کیفیت تخمک‌گذاری و موارد مشابه می‌شوند. با این حال، طبق اطلاعات مراکز درمانی، استفاده از مادر جانشین در ایران به دلیل هزینه‌های بالای آن (حدود ۴۰۰ تا ۹۰۰ میلیون تومان) بسیار کمتر رایج است. [۵]

بررسی ماهیت حقوقی اجاره رحم (رحم جایگزین)

واگذاری رحم از منظر شرعی یا قانونی ممکن است تحت چارچوب انواع عقود معوض و حتی غیرمعوض انجام شود، اما در واقعیت، این نوع واگذاری اغلب از طریق عقد اجاره صورت می‌گیرد. از این رو، لازم است ابتدا تعریف عقد اجاره مشخص شود و سپس به بررسی ویژگی‌های خاص این گونه از اجاره پرداخت. طبق ماده ۴۶۶ قانون مدنی، عقد اجاره بدین صورت تعریف شده است: اجاره عقدی است که بر اساس آن مستأجر مالک منافع عین مستأجره می‌شود. اجاره‌دهنده را موجر و اجاره‌کننده را مستأجر می‌نامند. با این حال، تعریف ارائه‌شده در این ماده جامعیت کافی ندارد و تمامی ارکان اجاره را در بر نمی‌گیرد. از این رو، ضروری است برای تکمیل تعریف، به فقه که یکی از منابع اصلی قانون مدنی است، رجوع شود. در مذاهب مختلف اسلامی، تقریباً تعریفی مشابه برای عقد اجاره ارائه شده است. با بررسی نابع فقهی، می‌توان سه ویژگی اساسی را برای عقد اجاره برشمرد.

- تمکین بودن
- معرض بودن
- موقت بودن

"إلجاء العقد علی تملیک بعوض معلوم شهید ثانی، ۱۴۰۳ ۴/۳۲۷؛ نجفی، ۱۹۸۱: ۲۷/۲۰۴ براساس این تعریف، در فرایند اجاره رحم، زن صاحب رحم، به‌عنوان موجر شناخته می‌شود ک‌رحم خود را برای مدت معین (تا زمان تولد طفل) در قبال مبلغ مشخصی به زن و مرد صاحب نطفه که مستأجر محسوب می‌شوند، واگذار می‌کند. اما موضوع مهمی که باید به آن توجه ویژه‌ای صورت گیرد، ماهیت عقد است. در اجاره رحم، موضوع عقد بخشی از بدن انسان (یعنی رحم) است که برای مدتی معین در اختیار دیگری قرار می‌گیرد. بنابراین، سؤالی اساسی مطرح می‌شود: آیا انسان می‌تواند بخشی از جسم خود را در اختیار دیگری قرار دهد تا در آن دخل و تصرف شود؟ به‌ویژه زمانی که این واگذاری از سوی یک زن انجام شود و به حوزه بضع و فرج مرتبط باشد؟ و آیا هر زنی، چه باکره و چه غیر باکره، مجاز به انجام چنین عملی است؟ اگر زنی به این تعهد اقدام کند، آیا این امر با حقوق همسرش تعارضی نخواهد داشت؟ و در این صورت،

۱۳۱ وضعیت حقوق فرزند حاصل از لقاح مصنوعی با مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی ایران و
فقه امامیه و بررسی چالش‌های آن
(محمد جهانگیری، بهاره ولیزادگان، مینا محمدی مقدم قاسم آباد، الناز حاتمی)

آیا کسب رضایت و اجازه همسر ضروری است؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها باید به منابع فقهی و قوانین موضوعه، خصوصاً قواعد عمومی قراردادها، مراجعه کرد تا بتوان پاسخی مناسب و راه‌حلی برای این ابهامات ارائه داد. ماده ۱۹۰ قانون مدنی چهار شرط اساسی را برای صحت معامله بیان کرده است که یکی از آنها مربوط به "مورد معامله" است. سپس طی مواد ۲۱۴، ۲۱۵ و ۲۱۶ این موضوع بیشتر توضیح داده شده و شرایط مورد معامله ذکر شده است. از مجموع این مواد می‌توان استنباط کرد که موضوع عقد باید حداقل سه شرط اساسی را دارا باشد: (امامی، ۱۳۳۹: ۲۰۹ و کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۱۵۴)

- مالیت
- منفعت عقلایی
- معین بودن

با توجه به اینکه قانون مدنی به‌طور صریح اشاره می‌کند که موضوع معامله باید دارای مالیت باشد، لازم است مسئله‌ای را مورد بررسی قرار داد: آیا در صورتی که موضوع عقد تمام یا بخشی از بدن انسان باشد، این موضوع می‌تواند به عنوان مال برای معاملات محسوب شود؟ برای یافتن پاسخی مناسب به این پرسش، بهتر است چند حالت مختلف را از یکدیگر تفکیک کرده و بررسی کرد.

۱- گاهی در معاملات، تمامیت جسمانی فرد به نوعی موضوع دادوستد قرار می‌گیرد، به این معنا که کل بدن فرد مانند یک کالا معامله می‌شود. این نوع از معامله به مفهوم بردگی است که امروزه طبق قوانین حقوق بشر، از جمله ماده ۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر، به‌طور کامل غیرقانونی اعلام شده است. نکته قابل توجه این است که حتی خود فرد نیز نمی‌تواند با تکیه بر آزادی اراده، اقدام به فروش خود کند، زیرا چنین عملی به معنای سلب حقوق مدنی از خویش بوده و مغایر با قوانین جاری است. بر اساس ماده ۹۵۹ قانون مدنی، هیچ‌کس نمی‌تواند به‌طور کامل حق بهره‌برداری یا اجرای تمام یا بخشی از حقوق مدنی خود را از خود سلب کند. همچنین، مطابق ماده ۹۶۰ قانون مدنی، سلب آزادی و حریت نیز ممنوع است. [۵]

۲- فرض دیگری مطرح است که در آن فرد تمام یا بخشی از وقت و توانایی خود را به صورت موقت و بدون دست بردن به جسم خود، در اختیار دیگری قرار می‌دهد. نمونه بارز این نوع از معاملات، اجاره خدمه و کارگر است که در مواد ۵۱۴ و ۵۱۵ قانون مدنی به آن پرداخته شده است. باید توجه داشت که این نوع قراردادها ذاتاً موقت هستند و موقت بودن جزء اصلی این قرارداد است. این مسئله به قدری اهمیت دارد که نویسندگان قانون مدنی، با لحنی منفی و برای تأکید بر موقتی بودن این قرارداد، در ماده ۵۱۴ تصریح کرده‌اند که خادم یا کارگر اصولاً نمی‌تواند اجیر شود مگر برای مدتی معین یا برای انجام کاری مشخص. حال اگر فردی اجیر شود و مدت قرارداد مشخص نشود، دو حالت ممکن است پیش آید: یا مدت با توجه به مبلغ مزد تعیین می‌شود، به این معنا که

از پرداخت عوض می‌توان موقتی بودن قرارداد را برداشت کرد، موضوعی که در ماده ۵۱۵ قانون مدنی نیز بدان پرداخته و بیان شده که در صورت عدم تعیین انتهای مدت، قرارداد اجاره محدود به مدتی خواهد بود که مزد براساس آن تعیین شده است. یا حالتی دیگر که نه مدت مشخص شده و نه می‌توان با توجه به عوض مدت را برداشت کرد، و یا اساساً قرارداد با شرط تأیید منعقد شده باشد. در چنین شرایطی، باید عقد را باطل دانست؛ زیرا علاوه بر غرری بودن آن (به تعبیر قاسم‌زاده در سال ۱۳۸۲) باعث محرومیت فرد اجیر از حقوق مدنی‌اش می‌شود، که خود طبق ماده ۹۵۹ قانون مدنی ممنوع است. [۵]

۳- درحالت دیگر، ممکن است فردی بخشی از بدن خود را با شرط ایجاد تغییرات یا استفاده خاصی مورد معامله قرار دهد. برای نمونه، فردی ممکن است برای انجام اعمال غیرمجاز و مخالف عفت عمومی اقدام به تن‌فروشی کند. چنین توافقی نه‌تنها باطل است، بلکه بسته به موضوع می‌تواند مشمول عناوین مجرمانه‌ای همچون زنا، لواط، مساحقه، مضاجعه، تفخیز یا تقبیل شود. (رمضانی، ۱۴۰۰: ۹۴-۹۵). [۵]

اهدای تخمک و جنین

برخی از فقها به آیات قرآن در مورد حفظ عفت و حریم خصوصی زنان استناد می‌کنند و معتقدند که این آیات ورود اجزاء ژنتیکی افراد دیگر را ممنوع می‌کنند. اما عده‌ای دیگر از فقها باور دارند که این آیات بیشتر به اسپرم مردان بیگانه اشاره دارد و شامل تخمک نمی‌شود. از این رو، اگر لقاح بین اسپرم شوهر و تخمک همسرش که در واقع همسر دیگری است، انجام شود، به نظر این گروه از فقها مشکلی ندارد زیرا این کار اختلاط نسب ایجاد نمی‌کند. علاوه بر این، روایاتی نیز وجود دارند که بر ممنوعیت تلقیح اسپرم و تخمک افراد خارجی تأکید دارند، اما در مواردی که رابطه زناشویی قانونی برقرار باشد، این روایات مانعی ایجاد نمی‌کنند. بنابراین، انتقال جنینی که از ترکیب اسپرم و تخمک یک زوج به وجود آمده به رحم زن دیگری، یا حتی انتقال زیگوت به رحم زن، در صورتی که اصول فقهی رعایت شود، مشکلی نخواهد داشت. بر اساس اصول فقهی مانند اصل برائت، این نوع از عمل‌ها به نظر مشروع می‌رسند و می‌توانند در شرایط خاص قانونی و شرعی انجام شوند... [۹]

طفل متولد از لقاح مصنوعی منی مرد بیگانه

اگر زنی از طریق لقاح مصنوعی با استفاده از اسپرم مردی غریبه باردار شود، چه زن همسر داشته باشد و چه مجرد باشد، فرزندی که از این روش متولد شود، به یکی از دو شکل زیر خواهد بود:

۱- در صورتی که زن و مرد نسبت به عمل لقاح آگاهی نداشته باشند،

کودک به پدر و مادر طبیعی خود تعلق می‌گیرد، چراکه کودک در این حالت در زمره "ولد شبهه" قرار می‌گیرد. همان‌طور که ولد شبهه به کسی منسوب می‌شود که نسبت به حرمت رابطه آگاهی نداشته است، در این مورد نیز به دلیل مشابه بودن شرایط، کودک به والدین طبیعی خود تعلق می‌پذیرد؛ زیرا در این میان رابطه با فردی غیرمحرّم برقرار نشده است. اگر یکی از زن یا مرد نسبت به حقیقت امر آگاه نباشد، کودک برای وی حکم ولد شبهه را خواهد داشت. بنابراین، مسئولیت حضانت نیز در صورت نا آگاهی هر دو طرف بر عهده هر دو خواهد بود و اگر تنها یکی از آنها نسبت به موضوع نا آگاه باشد، حضانت بر عهده همان فرد خواهد بود. [۷]

۲- در صورت علم زن و مرد به عمل لقاح

در فرآیند لقاح مصنوعی که ممکن است زنی مایع منی مردی را که او را می‌شناسد یا نمی‌شناسد، دریافت کند و در نتیجه کودکی متولد شود، حقوق دانان و فقها در مورد انتساب کودک به والدین نظرات متفاوتی دارند. بخشی از فقها معتقدند اگر زن و مرد از فقدان رابطه زوجیت در زمان این اقدام آگاه باشند، فرزند حاصل نامشروع تلقی شده و به پدر و مادر طبیعی خود منتسب نمی‌گردد. دلیل آنان این است که آگاهی از نبود رابطه قانونی باعث از بین رفتن ارزش اخلاقی و اجتماعی عمل می‌شود. در مقابل، برخی دیگر از فقها بر این باورند که فرزند حاصل، حتی در نبود رابطه زوجیت، به مادر طبیعی خود منتسب است؛ زیرا فرزند همواره به مادر تعلق دارد، مگر اینکه فرایند بارداری ناشی از زنا باشد. از آنجا که لقاح مصنوعی به هیچ‌وجه مصداق زنا نیست، کودک به مادر ملحق می‌شود. اما نسبت دادن او به پدر طبیعی، با توجه به اینکه این پیوند از طریق تولد طبیعی شکل نگرفته است، پذیرفته نمی‌شود. با تحلیل این موضوع در چارچوب اصول حقوقی و بر مبنای قانون مدنی ایران، می‌توان تفسیر کرد که هر فرزندی قانونی است، مگر آنکه قانون صریحاً خلاف آن را اعلام کند. بنابراین، اگر شرایط مغایری با قانون وجود داشته باشد و قانون آن را به رسمیت نشناسد، فرزند حاصل از زنا قلمداد می‌شود و به عامل زنا منتسب نخواهد شد. اما در دیگر موارد، فرزند به پدر و مادر طبیعی خود تعلق خواهد داشت، فارغ از اینکه بارداری به شیوه طبیعی یا مصنوعی رخ داده باشد. در نهایت به نظر می‌رسد دیدگاهی که مبتنی بر اصول اخلاقی بوده و هدف آن حفظ هویت خانواده به‌عنوان بنیادی‌ترین واحد اجتماعی است، اولویت بیشتری دارد. با این حال، نمی‌توان ز اهمیت دیدگاه دیگر که بر مبنای ملاحظات قضایی ارائه شده است نیز غافل شد. [۷]

وضع حقوقی طفل متولد از تلقیح مصنوعی با اسپرم غیرشوهر

در ارتباط با قانونی یا غیرقانونی بودن فرزندی که از لقاح مصنوعی زن با اسپرم مردی غیر از شوهرش به دنیا می‌آید و همچنین تعیین وجود یا عدم وجود نسبت خانوادگی برای چنین فرزندی، دیدگاه‌های متنوعی ارائه شده است. گروهی از حقوق دانان از قانونی

بودن این نوع فرزند و تأیید وجود نسب حمایت کرده‌اند، در حالی که گروه دیگری بر غیرقانونی بودن تولد چنین فرزندی تأکید داشته و نسبت خانوادگی برای او قائل نیست. (نایب زاده، ۱۳۸۰ ش.) [۱۰]

الف) نظریه مشروع بودن طفل و تحقق نسب

گروهی از حقوق‌دانان بر این باورند که اصول حقوقی و مواد قانون مدنی چنین استنباط می‌کند که هر فرزند طبیعی به‌طور قانونی مشروع محسوب می‌شود، مگر اینکه قانون به‌طور صریح خلاف آن را تصریح کرده باشد. از جمله مواردی که قانون مشروعیت آن را نفی کرده است، ولدی است که ناشی از زنا باشد و به زانی ملحق نمی‌شود. در موارد دیگر، طفل به پدر و مادر طبیعی خود ملحق می‌شود و فرقی ندارد که فرایند قرارگیری اسپرم در رحم زن به روش طبیعی انجام گرفته باشد یا مصنوعی (امامی، ۱۳۷۴ ش، ص ۱۸۶). بر اساس این دیدگاه، فرزند به پدر و مادر طبیعی خود وابسته می‌شود، چه آنها آگاهانه یا ناآگاهانه در عمل لقاح دخیل بوده باشند؛ چراکه کودک از گامت‌های آنها تشکیل شده و به‌طور عرفی فرزند آنان به‌شمار می‌آید. مطابق ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی، تنها طفل متولدشده از زنا به پدر و مادر طبیعی خود ملحق نمی‌شود. از آنجا که عمل تلقیح مصنوعی در چارچوب زنا قرار نمی‌گیرد، طفلی که از این طریق متولد می‌شود نیز ولد زنا محسوب نشده و از نظر حقوقی می‌تواند به صاحبان نطفه نسبت داده شود. تعریف زنا در قانون مجازات اسلامی و همچنین در فقه چنین است که نمی‌توان احکام زنا را بر عمل تلقیح مصنوعی بار کرد. ماده ۶۳ قانون مجازات اسلامی، زنا را چنین تعریف می‌کند: "زنا عبارت است از انجام جماع مرد با زنی که ذاتاً بر او حرام است، اگرچه این عمل در دبر باشد، مگر در موارد وطنی به شبهه." (نایب زاده، ۱۳۸۰ ش)

در هر حال، تحقق مصداق زنا مستلزم وجود تماس بدنی و دخول آلت مرد در آلت تناسلی زن است. بنابراین، تلقیح اسپرم مرد بیگانه در رحم زن مشمول تعریف و عنوان زنا نمی‌شود و نمی‌توان این عمل را زنا تلقی کرد (مهرپور، ۱۳۷۶، ص ۱۶۷). به این ترتیب، حقوق‌دانان محقق، نسب قانونی ناشی از روش (A.I.D) را به رسمیت شناخته‌اند. اگر چنین بیندازیم که واژه «مشروع» در حقوق به معنای چیزی است که قانون آن را منع نکرده باشد و به همین ترتیب «نامشروع» را معادل رفتاری بدانیم که مغایر با قوانین جاری کشور است (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳، ص ۳۸۶)، می‌توان از نسب قانونی کودک، مشروعیت نسب او را استنتاج کرد. در نتیجه، امکان حکم به مشروعیت طفل متولد شده از روش (A.I.D) وجود دارد (نایب‌زاده، ۱۳۸۰) [۱۰]

دیدگاه فقهی در این زمینه

در موضوع اشاره شده، از منظر فقهی مسئله‌ای مطرح شده که به نمونه‌ای خاص و قابل تأمل می‌پردازد. طبق نقل، مردی با همسرش نزدیکی کرده و در همان حال، زن با دختری باکره مساحقه انجام داده است. در اثر این عمل، نطفه مرد از رحم زن به رحم

۱۳۵ وضعیت حقوق فرزند حاصل از لقاح مصنوعی با مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی ایران و
فقه امامیه و بررسی چالش‌های آن
(محمد جهانگیری، بهاره ولیزادگان، مینا محمدی مقدم قاسم آباد، الناز حاتمی)

دختر منتقل شده و دختر باردار شده است. در این مورد، امام (ع) نظر داده‌اند که فرزند حاصل باید به صاحب نطفه تعلق گیرد. باتوجه به این حدیث، برخی از فقها همچون شیخ طوسی در کتاب "النهایه"، شهید ثانی در "مسالك"، محقق در "شرايع"، و همچنین صاحب ریاض و صاحب جواهر، تأکید دارند که در صورتی که نطفه مرد بیگانه از طریق مساحقه به رحم زن منتقل شده و فرزندی حاصل شد، آن فرزند متعلق به صاحب نطفه خواهد بود. عده‌ای دیگر از فقها نیز در تأیید الحاق فرزند به مادر، بر این نکته تأکید کرده‌اند که فرمان پیامبر (ص) درباره "العاهر الحجر" به شخص زناکار اختصاص دارد و عمل تلقیح مصنوعی عرفاً و شرعاً زنا محسوب نمی‌شود. بنابراین، آنچه دلالت بر نفی نسب فرزند دارد، تنها به زنا مربوط می‌شود و فرزند حاصل از چنین فرآیندی، عرفاً و شرعاً قابل‌اعتبار است. همچنین، بر اساس مفهوم عموم آیه "وَإِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ"، که تنها زنان زاینده را به عنوان مادر معرفی می‌کند، استنباط می‌شود که اگر فرزندی در رحم زنی رشد کند و متولد شود، آن زن از دیدگاه عرفی و شرعی مادر آن کودک به شمار می‌آید. بنابراین، هیچ مانع شرعی برای نسبت دادن کودک به مادر وجود ندارد. (نایب زاده، ۱۳۸۰ ش.) [۱۰]

بر این اساس، کودک حاصل از مساحقه در فرض مذکور به مادر و صاحب نطفه منتسب می‌شود و نسب در چنین کودکی تحقق می‌یابد. در اینجا سؤالی که باید مطرح شود این است که آیا در فقه، میان مشروعیت کودک و تحقق نسب، ارتباط الزام‌آور و غیرقابل تفکیکی وجود دارد یا خیر؟ به عبارت دیگر، آیا صرفاً با تحقق نسب می‌توان به مشروعیت کودک حکم داد؟ این موضوع از این جهت قابل تأمل است که برخی از فقها، مانند مرحوم محقق در کتاب شرایع، حتی کودکان ناشی از زنا را دارای نسب می‌دانند. ایشان معتقدند که کودک ناشی از زنا به والدین خود، یعنی زانی و زانیه ملحق می‌شود. تنها مورد استثناء در این رابطه، مسئله ارث است که به دلیل نص خاص جایگاه متفاوتی دارد؛ ولی سایر آثار نسب بین آنها پذیرفته شده است (محقق، ص ۵۰۷؛ بجنوردی، ص ۴۴). بر مبنای چنین نظریه‌ای، حتی کودکی که نامشروع تلقی می‌شود (ولدالزنا)، دارای نسب خواهد بود. بنابراین، این تحلیل ما را به این نتیجه می‌رساند که در فقه، میان تحقق نسب و مشروعیت کودک ملازمه‌ای ضروری وجود ندارد. به همین دلیل نمی‌توان صرف تحقق نسب را دلیلی برای مشروعیت کودک به حساب آورد.

از منظر فقهی می‌توان با استناد به شناسایی نسب برای طفل ناشی از مساحقه و توجه به نظرات مختلف فقها که برخی تحقق نسب را برای همه اطفال ممکن می‌دانند و برخی ولدالزنا را استثنا می‌کنند بنا به تحقق نسب در اطفال حاصل از تلقیح مصنوعی (A.I.D) حکم داد. با این حال، از پذیرش اصل تحقق نسب نمی‌توان به مشروعیت این اطفال رسید. به طور خلاصه، معیار نامشروع بودن نسب بر اساس «قانون، فقه و فتاوی» تعیین می‌شود. حقوق‌دانان نیز باتوجه به متن ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی که تنها

طفل متولد از زنا را از الحاق به والدین طبیعی مستثنی کرده است، معتقدند که نسب در تمامی اطفال طبیعی که حاصل زنا نباشند وجود دارد. بنابراین، طفل ناشی از تلقیح مصنوعی با اسپرم بیگانه نه عرفاً و نه شرعاً در زمره زنا قرار نمی‌گیرد، و نسب چنین طفلی قابل شناسایی است. از بُعد فقهی، دلیل قاطعی بر نامشروع بودن نسب طفل ناشی از (A.I.D) وجود ندارد. افزون بر این، اصل صحت که یکی از قواعد مهم فقه است ایجاب می‌کند که اعمال افراد اصولاً صحیح، مشروع و حلال مفروض شود، مگر دلیلی قانع‌کننده بر نادرستی یا غیرمشروع بودن آن ارائه شود. بر همین اساس، در موارد تساوی احتمالات میان صحت و ناصحیح بودن اعمال، هیچ‌کس نمی‌تواند آن را غیرمشروع یا نادرست بداند. از ارزیابی آرای فقها نیز نمی‌توان به نتیجه‌ای قطعی در مورد نامشروع بودن طفل دست یافت. بنابراین، با در نظر گرفتن امکان تحقق نسب قانونی برای طفل و تأکید بر اینکه قوانین نباید با اصول و احکام مذهب کشور در تناقض باشند، می‌توان بر اساس اصل ۷۲ قانون اساسی حکم به مشروع بودن طفل حاصل از تلقیح مصنوعی (A.I.D) داد. (نایب زاده، ۱۳۸۰) [۱۰]

ب) نظریه نامشروع بودن طفل و عدم تحقق نسب

این گروه از حقوق‌دانان بر این باورند که در این مورد خاص، طفل نه به پدر و نه به مادر منسوب می‌شود. علت اصلی این است که، مستقل از نحوه بارداری زن، شرایط لازم برای تحقق نسب مشروع وجود ندارد. به علاوه، نمی‌توان به طور قطع اقدام این زن و مرد را مصداق زنا دانست، زیرا براساس فرض موضوع، هیچ‌گونه رابطه جنسی میان آنان برقرار نشده است. آنچه سبب انتساب طفل به والدین می‌شود، وجود رابطه زوجیت یا حداقل اعتقاد به چنین رابطه‌ای است. بنابراین، در هر شرایطی که این عامل اصلی وجود نداشته باشد خواه دلیل بارداری زن ناشی از رابطه نامشروع (زنا) باشد یا دیگر اشکال تماس بدنی نظیر تفریخ یا حتی تلقیح مصنوعی نسب غیرمشروع تلقی می‌شود. برعکس، چنانچه رابطه زناشویی یا اشتباه در آن تحقق یافته باشد، فارغ از شیوه بارداری زن، نسب مشروع خواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۷۲، صص ۲۱-۲۲). برخی از حقوق‌دانان با استناد به روح قانون اظهار کرده‌اند که آمیزش طبیعی میان مرد و زن بیگانه، نقشی در انکار یا اثبات نسب ندارد. در واقع، آنچه معیار اساسی برای انکار نسب است، پیدایش طفل از ترکیب دو نطفه مرد و زن بیگانه می‌باشد. ازدواج، دو نتیجه اصلی به همراه دارد: اول، مشروعیت رابطه جنسی میان زن و مرد؛ و دوم، مشروعیت فرزندگی که از ترکیب نطفه آنها به وجود می‌آید. این دو اثر در موارد شبهه نیز جاری هستند، اما منحصر به این دو مورد (ازدواج و شبهه) باقی می‌مانند. بنابراین، در شرایطی که هیچ یک از این دو وضعیت وجود نداشته باشد، همانند موردی که در اینجا مطرح است، اثر اختصاصی آنها، یعنی مشروعیت فرزند، نیز منتفی خواهد بود. (شهیدی، ۱۳۷۵، ش، ص ۱۴۵).

۱۳۷ وضعیت حقوقی فرزند حاصل از لقاح مصنوعی با مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی ایران و
فقه امامیه و بررسی چالش‌های آن
(محمد جهانگیری، بهاره ولیزادگان، مینا محمدی مقدم قاسم آباد، الناز حاتمی)

اینان در نقد استناد گروه اول به ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی بر این باورند که از این ماده نمی‌توان برداشت کرد که تنها زنا دلیل نامشروع بودن نسب است و فرزند طبیعی در سایر موارد الزامی به الحاق به پدر و مادر ندارد. زنا به عنوان رایج‌ترین نوع رابطه نامشروع، نمونه‌ای بارز و مشهود تلقی شده و به همین دلیل موضوع این حکم قرار گرفته است. از سوی دیگر، سکوت قانون‌گذار درباره فرزندان حاصل از سایر روابط جسمانی میان زن و مرد بیگانه به این معنا نیست که از این راه‌ها می‌توان نسب مشروع ایجاد کرد. به نظر می‌رسد زنا ویژگی خاصی دارد که مانع از الحاق فرزند به پدر و مادر طبیعی خود می‌شود.

این دسته از حقوقدانان با تأکید بر هدف قانون‌گذار در حفظ جایگاه خانواده و تنظیم روابط جنسی میان زن و مرد تحت چارچوب‌هایی خاص، تلقیح مصنوعی میان دو فرد بیگانه را به لحاظ مشروعیت، معادل روابط نامشروع جنسی قلمداد می‌کنند. آنان معتقدند که تلقیح مصنوعی با استفاده از گامت فردی بیگانه (A.I.D) نمی‌تواند نسب مشروع ایجاد کند، زیرا این عمل، مانند روابط جنسی غیرمشروع (از جمله زنا یا تفخیز)، به بنیان خانواده آسیب می‌رساند. بر اساس دیدگاه این گروه، تحقق نسب مشروع تنها باید در درون خانواده و بر پایه اصول حقیقی آن صورت پذیرد، و حتی در موارد نزدیکی به شبهه نیز قوانینی برای کاهش احتمال هرگونه ابهام یا انحراف از اهداف اصلی تعریف شده است. این گروه همچنین در رد استناد موافقان (A.I.D) به روایات فقهی مرتبط با مساحقه، بر این باورند که مقایسه تلقیح مصنوعی با آنچه در فقه درباره مساحقه آمده، منطقی یا صحیح نیست. آنان تأکید دارند که از دیدگاه فقها و متون فقهی نمی‌توان هیچ دلیلی برای مشروعیت بخشیدن به نسب ناشی از تلقیح مصنوعی میان دو فرد بیگانه استخراج کرد.

اولاً فقهای مورد اشاره شیخ طوسی و محقق (کتاب حدود) و علامه (قواعد، ج ۲، ص ۲۵۸) و شهیدین (مسالک ج ۲، کتاب حدود، شرح لعمه، ج ۲، ص ۲۶۷) و صاحب ریاض (ج ۲، کتاب حدود و صاحب جواهر جلد صید و ذباجه کتاب حدود، صص ۴۱۹۴۱۸) درست است که از مفاد خبر پیروی کرده و طفل را از آن شوهر دانسته‌اند ولی در باب الحاق به مادر اختلاف ریشه داشته و همه آنها جز صاحب ریاض نظری را که طفل را به مادر ملحق نمی‌داند تقویت کرده‌اند.

ثانیاً مطابق با دیدگاه برخی از حقوقدانان، مقایسه اقدام زن و مردی بیگانه که از طریق تلقیح مصنوعی (A.I.D) فرزندی را به وجود آورده‌اند، با مواردی که در آنها رابطه زناشویی رسمی وجود دارد، درست نیست. در مثالی که در خبر اشاره شده، ارتباط میان زن و شوهر مشروع بوده و مرد هیچ‌گونه اراده یا دخالتی در انتقال نطفه به فردی غیر از همسر خود نداشته است. بنابراین، چنین حالتی از دلایل شبهه ناشی می‌شود و نمی‌تواند مصداقی از تجاوز به قوانین محسوب شود. در نتیجه، این دسته از حقوقدانان بر این

باورند که موضوع تلقیح مصنوعی با استفاده از اسپرم فردی بیگانه را نمی‌توان با مورد یادشده مقایسه کرد. از این رو، آنها امکان صدور حکم مشروعیت نسب طفل ناشی از این فرآیند (A.I.D) را از طریق قیاس رد می‌کنند. زیرا به باور آنها، نسب مشروع باید در چارچوب خانواده و مبتنی بر پیوند زوجیت قانونی شکل بگیرد. با توجه به این منطق، در فرض مذکور که رابطه زوجیت بین زن و مرد وجود ندارد، طفل به دنیا آمده نامشروع تلقی شده و نسب قانونی برای وی محقق نمی‌شود. [۱۰]

چالش‌های اخلاقی تلقیح مصنوعی

یکی از موضوعات بسیار مهم در حقوق پزشکی، پیوند میان دانش پزشکی، نظریه‌ها و طرح‌های درمانی با مسائل اخلاقی، اجتماعی و حقوقی است. به گونه‌ای که هر زمان یک روش درمانی یا توصیه دارویی مطرح می‌شود، پیش از اجرا و اعمال آن بر انسان، ضروری است که از منظر حقوقی و اخلاقی مورد بررسی و تأیید قرار گیرد. هیچ درمان یا توصیه دارویی نمی‌تواند صرفاً به دلیل اینکه از دیدگاه پزشکی فاقد عوارض جسمی یا روانی است، تجویز شود. بلکه باید اطمینان حاصل کرد که این تجویز با اصول اخلاقی، عرف اجتماعی و دینی جامعه و قوانین حاکم بر آن در تضاد نباشد. نظام لقاح مصنوعی نیز که امروزه به‌طور گسترده در حال توسعه است، از این قاعده مستثنی نیست و مسائل اخلاقی آن علاوه بر ملاحظات حقوقی باید به دقت مد نظر قرار گیرد. این موضوع به‌ویژه در کشورهای اسلامی، که فرهنگ و سنت‌های آنان بر مبنای موازین شرعی بنا شده است، اهمیت بیشتری دارد. فناوری لقاح مصنوعی علاوه بر ابعاد حقوقی به مسائل اخلاقی پیچیده‌ای گره خورده است. به همین دلیل بسیاری از اندیشمندان و صاحب نظران به بررسی این موضوع پرداخته‌اند و نظرات متضاد و انتقادات پیرامون آن در حال افزایش است. در این میان، نادیده گرفتن شأن، منزلت و کرامت انسانی، ضرورت کسب رضایت زوجین یا مالکین اسپرم و تخمک، خطر اختلاط نسب، آسیب به نهاد خانواده و برهم زدن ترتیب انساب، از جمله مسائل اخلاقی قابل توجه در فناوری لقاح مصنوعی، به‌ویژه انواع ناهمگون آن، به شمار می‌آید. [۶]

این روش بارداری که از تکنیک‌های زیست پزشکی محسوب می‌شود از نظر اخلاقی بسیار پرسش برانگیز است و از اهم مسائل اخلاقی مطروحه در آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- صلاحیت اخلاقی پژوهشگرانی که در این زمینه فعالیت می‌کنند و امکان سوءاستفاده نا اهلان، مانند خرید و فروش یاخته‌های جنسی و یا اطفال متولد شده وجود دارد؛
- ۲- عدم پذیرش جوامع به دلایل اعتقادی و اخلاقی؛
- ۳- بروز مشکلات احتمالی در نظام خانواده، رابطه زوجیت، از دست دادن گوناگونی و تنوع نژاد؛

۱۳۹ وضعیت حقوق فرزند حاصل از لقاح مصنوعی با مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی ایران و
فقه امامیه و بررسی چالش‌های آن
(محمد جهانگیری، بهاره ولیزادگان، مینا محمدی مقدم قاسم آباد، الناز حاتمی)

- ۴- مسأله مهم نسب فرد متولد شده از تلقیح مصنوعی ناهمگون، محرمیت، قتل، نفقه، حضانت، ارث و مشکلات حقوقی متعاقب آن؛
- ۵- احتمال پیداش و انتقال ناهنجاری‌ها و بیماری‌ها؛
- ۶- افشای اطلاعات مربوطه به اهداکنندگان و یا صاحبان اسپرم یا تخمک؛
- ۷- یاخته جنسی یا جنین نباید موضوع مورد معامله قرار بگیرد و اهدای آن باید خیراندیشانه باشد؛
- ۸- احتمال تلقیح اسپرم و تخمک افراد همخون و محارم به یکدیگر وجود دارد؛
- ۹- امکان استفاده از اسپرم بیش از یک مرد در تلقیح مصنوعی محتمل است. [۶]

نظرات فقه‌های اهل سنت تلقیح مصنوعی

دیدگاه فقهی اهل سنت در این زمینه به‌نظر می‌رسد با دیدگاه فقه‌های شیعه مشابهت‌های زیادی دارد. هیئت مشاوره اسلامی مصر، به‌عنوان نخستین مرجع صدور فتوا، در تاریخ ۲۳ مارس ۱۹۸۰ میلادی طی اولین دیدگاه خود درباره روش‌های مختلف تلقیح مصنوعی اعلام کرد: تزریق اسپرم فردی غیر از شوهر به رحم زن، تحت هر شرایطی حرام است و اگر این عمل با آگاهی صورت گیرد، به عنوان یک رابطه نامشروع و زنا محصنه شناخته می‌شود. مشابه این دیدگاه در عربستان نیز توسط مجمع فقه اسلامی مکه در سال ۱۹۸۳ میلادی بیان شد. این مجمع، پس از برگزاری یک سمینار تخصصی، نظری هم‌سو با سازمان اسلامی علوم پزشکی کویت ارائه داد و به صورت قطعی تلقیح اسپرم غیرهمسر را غیرشرعی و حرام دانست. علاوه بر این، مفتی برجسته، ابراهیم دزی، در پاسخ به پرسشی درباره مجاز بودن استفاده از اسپرم فرد ناشناس در صورت نبود اسپرم فعال در شوهر، چنین اظهار داشته است: استفاده از این روش قابل قبول نیست، زیرا فرزند انسان باید پدرش همان کسی باشد که اسپرم او موجب تولد شده است.

حتی اگر پزشکان تأیید کنند که زنی نمی‌تواند با بهره‌گیری از اسپرم شوهرش باردار شود، استفاده از اسپرم فرد غریبه برای انجام تلقیح مصنوعی نه تنها غیرقانونی، بلکه در دین اسلام حرام تلقی شده است. دلیل این حکم آشکار است؛ زیرا در چنین حالتی، بارداری زن حاصل از اسپرم مردی خواهد بود که با او پیوند زناشویی ندارد و فرزندی که به دنیا می‌آید، از نگاهی شرعی وضعیت مشابهی با فرزندخوانده خواهد داشت. این کودک به دلیل نامشخص بودن نسب، از لحاظ ارث هیچ حقی از پدر بیولوژیکی خود نخواهد داشت. در مواردی که تخمک زن با اسپرم مردی به جز شوهرش ترکیب شود، بدون تردید این عمل حرام اعلام گردیده است؛ زیرا از نظر پیامدها و دلایل، این وضعیت شباهت بسیاری به عمل زنا دارد. هر دو این موارد سبب آمیخته شدن نسب‌ها و ورود یک عنصر غریبه به ساختار خانواده می‌شوند. از منظر دینی و شرعی، کودک حاصل از چنین روشی نمی‌تواند از اعتبار خویشاوندی مشروع برخوردار باشد. اسلام که حکم به

حرام بودن فرزندخواندگی و نکوهش انتساب افراد به غیر از پدر واقعی‌شان داده است، طبیعتاً در قبال تلقیح مصنوعی با شرایط ذکرشده نیز قاطعانه موضع مشابهی اتخاذ می‌کند. این عمل به دلیل مشابهت بیشتر با زنا، از نگاه شریعت گناهی سنگین تلقی می‌شود. [۷]

نظرات فقهای امامیه

براساس مطالب مطرح‌شده، اکثر فقهای امامیه تلقیح با اسپرم غیرمحرّم را غیرمجاز می‌دانند. امام خمینی (ره) نیز بر این باور هستند که تلقیح نطفه بیگانه به زنی غیرمحرّم جایز نیست و تأکید دارند که اگر این عمل به عمد و آگاهی صورت گیرد، به لحاظ شرعی مشکل‌زا بوده و الحاق فرزند به صاحب نطفه با اشکالاتی مواجه خواهد شد، هرچند این موضوع دارای نوعی ابهام نیز هست. از دیدگاه ایشان، مسائل مرتبط با ارث در لقاح مصنوعی، در موارد اشتباهی، مشابه لقاح طبیعی در شرایط مشابه است و در صورت تعدد در این اقدام حرام، احتیاط بیشتری لازم است. همچنین، امام خمینی معتقدند که مولود ناشی از لقاح مصنوعی در موضوع ازدواج همانند مولود طبیعی و شرعی محسوب می‌شود و افرادی که ازدواج با آنها برای مولود طبیعی حرام است، برای مولود مصنوعی نیز چنین حکمی دارد. آیت‌الله بروجردی نیز برپایه استنباط از ادله شرعی، تلقیح اسپرم مرد بیگانه به زن غیرمحرّم را در هر شرایطی، چه زن متأهل باشد چه مجرد، حرام می‌دانند. ایشان بر این باورند که چنین عملی در برخی موارد باعث پیدایش احکام فرزند زنا و در موارد دیگر باعث صدور احکام فرزند شبهه خواهد شد. حتی تلقیح اسپرم شوهر به همسر خود نیز از نظر ایشان امری قابل تأمل و محل اشکال است. فقهای چون آیت‌الله مرعشی نجفی، آیت‌الله فاضل لنکرانی، آیت‌الله جواد تبریزی و آیت‌الله نوری همدانی نیز تلقیح اسپرم بیگانه را حرام می‌دانند. با این وجود، برخی از علما ضمن مخالفت با این عمل، قائل به حرمت مطلق آن نیستند و نظراتشان نشان‌دهنده امکان تغییر رأی در شرایط خاص است. به عنوان مثال، آیت‌الله منتظری تصریح کرده‌اند که تلقیح اسپرم بیگانه توسط فردی غیر از زوج بدون شک جایز نیست. حتی تلقیح اسپرم بیگانه توسط خود زوج نیز محل اشکال است و اگر ناباروری با درمان برطرف نشود، مصلحت در بچه‌دار شدن چنین فردی وجود ندارد. ایشان همچنین بیان می‌کنند که در صورت انجام این عمل، فرزند به صاحب نطفه ملحق خواهد بود و نسبت به صاحب تخمک و زنی که نطفه در رحم او جای داده شده، رعایت احتیاط الزامی است. [۷]

احکام فقهی و حقوقی تلقیح مصنوعی

در حقوق اسلام تلقیح مصنوعی به ترتیبی که امروزه از جهت عملی مطرح است سابقه ندارد، بنابراین مسأله تلقیح مصنوعی را در اصول و ضوابط اسلامی و در اخبار و احادیث صدر اسلام نمی‌توان یافت اما می‌توان مصادیق و احکامی را یافت که با تلقیح مصنوعی

مشابهت دارد، از جمله احادیثی که مربوط به مساحقه و آثار آن است. نقل شده است که از امام حسن (ع) سؤال شد که مردی با زن خود جماع نموده و زن در همان حالت با دختر باکره ای مساحقه نموده و دختر حامله گردیده حال تکلیف چیست؟ ایشان فرمودند مهر دختر باکره را از زن باید گرفت و به دختر داد زیرا طفل حاصل از این مساحقه از رحم دختر خارج نخواهد شد مگر با ازاله بکارت ولی سپس زن را چون محصنه بوده باید رجم کرد و پس از آنکه طفل متول دگردید باید این طفل به صاحب نطفه تحویل و دختر را باید تازیانه زد. (نجفی، ۱۹۸۱ م، ج ۴۱، ص ۳۹۶) همچنین در زمینه طفل ناشی از تفخیز که شباهت زیادی با تلقیح مصنوعی دارد آمده است که به فرد تعلق می‌یابد. (صمدی اهری، ۲۱-۱۳۸۲ ش، صص ۲۰) با توجه به مراتب عنوان شده ملاحظه می‌شود که عملاً باروری زنان از راه غیرطبیعی در اسلام تحقق یافته و به هرحال طفل حاصل از آن به صاحب اسپرم ملحق گردیده است. پیشرفت‌های علمی امروزه سبب گشته است که بسته شدن نطفه‌ی انسان از غیر راه شناخته شده (آمیزش) امکا نپذیر گردد، اما درباره‌ی گونه‌های آبستن کردن و حکم شرعی آنها هنوز وفاق معینی بین علما و حقوقدانان دیده نمی‌شود در این قسمت ما برآنیم گونه‌های متصور و موجود تلقیح مصنوعی را مورد بررسی قرار داده و به واکاوی احکام فقهی این حوزه و ترسیم چالش‌ها و خلأهای موجود بپردازیم. [۸]

نتیجه گیری

نتایج حاکی از آن است که با وجود اختلاف نظرهایی که میان فقها درباره پذیرش باروری مصنوعی و به تبع آن حقوق کودکان متولد شده از این روش وجود دارد، تمایز قائل شدن میان کودکانی که از طریق روش‌های نوین علمی مانند باروری مصنوعی به دنیا می‌آیند و کودکانی که حاصل روابط نامشروع هستند، اهمیت بسیاری دارد. با تأیید مشروعیت باروری مصنوعی بر اساس معیارهای شرعی و قانونی، حقوق اقتصادی این کودکان، از جمله حق ارث، کاملاً بدیهی و مسلم به نظر می‌رسد. سایر حقوق کودکانی که از این طریق متولد می‌شوند نیز به پدر آنها به‌عنوان صاحب نطفه مرتبط است. برخی فقها بر این باورند که حتی اگر پدر پیش از انعقاد نطفه فوت کند، او همچنان به‌عنوان پدر محسوب شده و کودک حاصل از باروری مصنوعی به دلیل داشتن ارتباط خونی، از حقوق ارث بهره‌مند خواهد شد. این موضوع در مورد مادر نیز صادق است؛ به‌ویژه در شرایطی که هویت صاحب نطفه مشخص نباشد، این وضعیت به دلایل گوناگون عرفی یا قانونی قابل اعمال خواهد بود. در نتیجه، می‌توان گفت کودکانی که به واسطه باروری مصنوعی به دنیا می‌آیند، در نظام حقوقی ایران از نظر حقوق و امتیازات، با کودکانی که به شیوه‌ای طبیعی متولد شده‌اند تفاوتی ندارند. مطابق قوانین داخلی ایران، وظایف و حقوق والدین نسبت به فرزند حاصل از لقاح مصنوعی همانند وظایف و

حقوق مربوط به فرزندان طبیعی است. قانون‌گذار در این زمینه جایگاه حقوقی فرزندان حاصل از باروری مصنوعی را برابر با فرزندان مشروع و طبیعی تعیین کرده و احترام کامل برای آن‌ها قائل شده است.

منابع

- (۱) روشن محمد، بررسی حقوقی طفل متولد از لقاح مصنوعی، فصلنامه خانواده پژوهی، سال اول، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۴.
- (۲) جاویدان زهرا، بررسی فقهی و حقوقی تلقیح مصنوعی و وضع حقوقی اطفال ناشی از این تلقیح با اسپرم مرد بیگانه، فصلنامه علمی-حقوقی قانون یار، دوره ششم، شماره ۲۱، بهار ۱۴۰۱.
- (۳) میر هاشمی سرور، تلقیح مصنوعی در اندیشه فقهی حقوقی و موافقان و مخالفان آن.
- (۴) طاهری سودابه، افضل نژاد ناصرعلی، اسدی حسن، حقوق اقتصادی کودکان متولد شده از باروری مصنوعی از منظر فقه و حقوق اسلامی، فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره پنجم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۲.
- (۵) سجادی هزاوه نیوشا، کشاورز نیما، تتبع احکام فقهی و حقوقی تلقیح مصنوعی و طفل متولد از آن.
- (۶) وطن خوا رضا، تلقیح مصنوعی از دیدگاه اخلاق و حقوق کیفری، فصلنامه حقوق پزشکی سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۸۶.
- (۷) حضانت در کودکان ناشی از لقاح مصنوعی، مجله علمی-پژوهشی سازمان نظام پزشکی، دوره ۳ شماره ۳، پاییز ۱۳۹۸.
- (۸) ریاضت زینب، چالش‌های فقهی، حقوقی و اخلاقی تلقیح مصنوعی و رویارویی باحق، فصلنامه حقوق پزشکی سال ششم، شماره بیستم، بهار ۹۱.
- (۹) جلیلی فر معین، روهنی فرهاد، اعلمی فرناز، چالش‌های حقوقی و اخلاقی استفاده از تکنولوژی‌های باروری مصنوعی در حقوق خصوصی و حقوق خانواده، پژوهش‌های بنیادی در حقوق، اولین نشریه علمی/ تخصصی دانشگاه آزاد واحد رفسنجان شماره ۶، سال ۱۴۰۳.
- (۱۰) الله قلی لیل، رحمانی اعظم، وضعیت حقوقی باروری مصنوعی، فصلنامه حقوق پزشکی سال دوم، شماره هفتم، زمستان ۱۳۸۷.
- (۱۱) بیانی عبد العزیز، حق ارث و شرایط برخورداری جنین از آن از دیدگاه فقه امامیه، حقوق مصر و افغانستان مجله پژوهش‌های معاصر در علوم و تحقیقات سال پنجم شماره ۴۷ خرداد ۱۴۰۲.